

آزادسازی قیمت ها و حذف یارانه ها ، منافع چه کسانی را تامین می کند؟

مثبتی در زندگی معیشتی مردم صورت نگرفته است، بلکه با اتخاذ سیاست های چپاول گرانه، فشار های اقتصادی فزاینده هر روز بیشتر از گذشته بر سر مردم میهنمان، به ویژه زحمتکشان و قشرهای کم درآمد، سنگینی می کند. در نتیجه دست یافتن احمدی نژاد به قدرت دولتی، و به موازات آن، سران سپاه پاسداران این فرصت را

ادامه در صفحه ۲

احمدی نژاد در "سخنرانی های" انتخاباتی خود، با وعده آوردن پول نفت بر سر سفره های مردم، تلاش کرد تا با فریب کاری رای آنها را به سود خود جلب کند. او در مناظره های انتخاباتی خود با "انتقاد" از نابسامانی اقتصادی، قول رفع بیکاری، جلوگیری از گرانی و تثبیت قیمت ها را داد، اما کارنامه اقتصادی دولت احمدی نژاد، به مانند سایر زمینه ها، بر این دلالت دارد که نه تنها تحول



شماره ۸۵۳ ، ۱۹ مهر ۱۳۸۹
دوره هشتم، سال بیست و پنجم

اجلاس منطقه ای "شورای جهانی صلح":

هر گونه مداخله خارجی در ایران را محکوم می کنیم! در ص ۱۰

زنان، و مبارزه با

لایحه ضد خانواده

سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، طی گفت و گویی با خبرگزاری ایسنا، ۴ مهر ماه، خبر از نهایی شدن سه ماده باقی مانده لایحه حمایت از خانواده در جلسات این کمیسیون داد. پیش از آن رسانه های همگانی گزارشاتمی را از تغییر و اصلاحات بسیار جزئی این لایحه در کمیسیون مربوطه منتشر ساخته و تاکید کرده بودند، روح کلی و محتوی لایحه دست نخورده باقی مانده است. با نزدیک شدن به زمان طرح دوباره این لایحه ضد ملی، زن ستیز و برای آینده جامعه فاجعه بار، فعالان و مبارزان جنبش زنان میهن ما با جمع آوری امضاء و ثبت آن در دبیر خانه مجلس، دور تازه ای از کارزار وسیع ملی بر ضد تصویب این لایحه را آغاز کردند. در اواسط مهر ماه امسال بیش از چهل تن از فعالان جنبش زنان به نمایندگی از زنان کشور، با حضور در مجلس شورای اسلامی خواستار ممنوعیت چند همسری و کنار گذاردن لایحه حمایت از خانواده شدند. اینها، ۴ مهر ماه، در گزارشی خاطر نشان ساخت: "بیش از چهل زن ایرانی امروز با حضور در مجلس شورای اسلامی برای چندمین بار از نمایندگان مجلس خواستند که برای ترویج ازدواج موقت و چند همسری تلاش نکنند، بلکه به جای آن برای ممنوعیت چند همسری قانون تصویب کنند ... این زنان صبح امروز بیش از پنج هزار امضا را که در آن ایرانیان از نمایندگان خواسته اند

ادامه در صفحه ۳

تحزب در قفس تنگ رژیم "ولایت فقیه"



"خودی"، از جمله از قدیمی ترین سازمان سیاسی دوران حکومت جمهوری اسلامی، یعنی "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی"، سازمانی که با اجازه و در دوران خمینی پایه گذاری شده بود، برای سران تارک اندیش رژیم، که بر خلاف مدعیات درباره ثبات و قدرتی در بحران عمیقی دست و پا می زنند، غیر قابل قبول شده است.

سخنگوی جدید قوه قضاییه جمهوری اسلامی، طی یک نشست مطبوعاتی، با اشاره به رویدادهای اخیر کشور و در پاسخ به پرسش خبرنگاران در خصوص وضعیت احزاب و سازمان های اصلاح طلب حکومتی، اعلام داشت، کمیسیون ماده ۱۰ احزاب پروانه فعالیت جبهه مشارکت اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را متوقف کرده، و بنابر این دو نیروی اصلاح طلب حق فعالیت

ادامه در صفحه ۶

مسئله تحزب در رژیم ولایت فقیه از جمله مسایلی است که از سال های نخست انقلاب با چالش های زیادی رو به رو بوده است. سران رژیم "ولایت فقیه" با پشت کردن به آرمان های انقلاب بهمن ۱۳۵۷، حکومت استبدادی را بر ایران

حاکم کردند که در آن تحزب و فعالیت های سیاسی خارج از چارچوب های تنگ و واپس گرایانه سران رژیم محسوب شده و به همین علت در فرصت زمان کوتاهی بسیاری از احزاب، سندیکاها و انجمن های صنفی مختلف از سوی دستگاه پیدادگری رژیم "منحله" اعلام شدند و اعضا و هواداران این احزاب و سازمان ها به شکنجه گاه و زندان های رژیم کشانده شدند.

در پی فرارندوم خرداد ماه ۱۳۷۶، و آغاز روند اصلاحات شماری از احزاب و سازمان های صنفی، اگرچه محدود و عمدتاً در چارچوب نیروهای "خودی" رو به فعالیت آوردند و از این رو حضور سیاسی-اجتماعی احزاب و سازمان های سیاسی تا حدی افزایش یافت. ولی حتی این روند بسیار محدود فعالیت احزاب و سازمان های

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

ادامه آزادسازی قیمت ها و حذف یارانه ها ...

یافتند تا نفوذ خود را در بخش های گوناگون اقتصادی هرچه بیشتر گسترش داده و زمام امور بسیاری از نهادهای سود آور اقتصادی را به دست گیرند. سپاه پاسداران با چنگ انداختن بر عمده ترین عرصه های اقتصادی، تلاش دارد تا هرچه سریع تر و خشن تر، مهار اقتصاد کشور را، بی وجود رقیبی، به دست گیرد، و در این مسیر با دست زدن به همه گونه جنایتی، ثروت میهنمان را به تاراج برد و به سودهای کلان دست یابد.

معضل گرانی، به عنوان یکی از شاخص ترین و جدی ترین مشکل های مردم، با اتخاذ طرح "آزاد سازی قیمت ها" و "هدفمند کردن یارانه ها" اکنون به واقعیتی دردناک در جامعه تبدیل شده، و شرایطی طاقت فرسا و جهمی برای زحمتکشان شهر و روستا ایجاد کرده است. هر چند که دولت احمدی نژاد اعلام کرده است که "هدفمند کردن یارانه ها" به سود قشرهای کم در آمد است، اما با نگاهی عمیق تر، می توان هدف این برنامه و ابعاد اقتصادی فاجعه بار ناشی از آن را دریافت. به دنبال اعلام هدفمند کردن یارانه ها، و با اینکه هنوز مقدار این یارانه ها مشخص نشده و هنوز ریالی به کسی پرداخت نشده است، قیمت کالاهای اساسی در کشور رو به افزایش گذاشته است و این در حالی است که بر سر چگونگی ارایه ی این طرح، بین دولت، مجلس و بسیاری از "صاحب نظران" حکومتی، اختلاف نظر وجود دارد. روند گران شدن اخیر کالاهای اساسی، به ویژه برق و گاز و سایر فراورده های نفتی، از چندی پیش آغاز شده است، هرچند که بنا به ادعای "محمد رضا فرزین" سخنگوی طرح تحول اقتصادی: "افزایش قیمت برق مصرفی برخی از استان ها ربطی به قانون هدفمند کردن یارانه ها ندارد و مسوولان وزارت نیرو باید در این خصوص اطلاع رسانی لازم را انجام دهند" (صنایع نیوز، ۱۳ شهریور)، اما گزارش های منتشر شده و اقدام های دولت در این مورد نشان می دهد که گرانی های اخیر مستقیماً محصول اعلام طرح "هدفمند کردن یارانه ها" است. از جمله و در همین راستا، خبرگزاری مهر در گزارشی به تشریح جزئیات ۳ سناریوی افزایش قیمت گاز پس از هدفمند کردن یارانه ها پرداخته است. در این گزارش آمده است: "بر اساس قانون هدفمندی یارانه ها باید قیمت گاز طبیعی و سایر محصولات گازی در یک دوره پنج ساله آزاد شده و در نهایت بهای این حامل انرژی حداقل به ۷۵ درصد متوسط قیمت گاز صادراتی پس از کسر هزینه های انتقال، مالیات و عوارض افزایش یابد (شنبه ۱۳ شهریور).

تابناک (۱۲ آذر ۸۸) نیز با گزارشی در این باره، نوشته بود: "به تازگی در ادارات برخی از استان ها که خدمات حامل های انرژی را به مردم می دهند، حرکت حساب شده ای آغاز شده است و آن آماده سازی مردم برای پذیرش گرانی هدفمند کردن یارانه است ... از جمله این ادارات می توان به شرکت های برق منطقه ای اشاره کرد که در متن قبض های برق میزان برق مصرفی را نوشته و میزان یارانه تعلق گرفته بر آن را نیز درج کرده اند و غالباً میزان یارانه تعلق گرفته به میزان مصرف تا پنج برابر یادآوری شده و این گونه به مشترکان القا می شود که در صورت اجرای هدفمند کردن یارانه ها، باید به جای مبلغ هجده هزار تومان، مبلغ نود هزار تومان پرداخت کنند. شرکت های گاز نیز در اقدامی مشابه و با دادن فرمول ها و محاسبات پیچیده در قبض های مصرفی گاز نیز به مشترکان محترم خود یادآور شده اند که در صورت صرفه جویی نکردن و کاهش ندادن مصرف، نرخ گاز مصرفی روند تصاعدی دارد و میزان یارانه پرداختی به مشترکان در حال حاضر... به ریال است و این رقم نیز کمتر از چهار برابر رقم مندرج در قبض نیست." طی سال گذشته این افزایش قیمت از شهرهای شمالی کشور آغاز شد و در ماه گذشته گریبان گیر شهروندان تهرانی شد. روزنامه جهان اقتصاد، ۱۷ شهریور، در خبری با عنوان: "افزایش قیمت قبوض آب و برق به تهران رسید"، می نویسد: "کمتر از سه هفته قبل و ۲۳ روز مانده به نیمه اول سال ۸۹ یعنی همان موعد مقرر قانون هدفمند کردن یارانه ها قبوض برق در استانهای شمالی کشور، با افزایش قیمت روبرو شد. در حالی که نه قانونی اجرا و نه یارانه ای هدفمند شده است، قبوض برق این بار شهروندان تهرانی را شگفت زده کرده است و ارقامی نجومی در این قبوض به چشم می خورد. اگرچه دلیل اصلی افزایش رقم درج شده در قبوض مشترکان شبکه برق، "کولرهای گازی" ذکر می شود اما برخی شهروندان

تهرانی هم هستند که کولر گازی ندارند اما قبوض برقشان با رقم های نجومی مواجه شده است. قبوض برق ۱۵۰، ۲۰۰ و حتی بیش از ۲۲۰ هزار تومان برای برخی مشترکان برق در شهر تهران آمده است. در این میان، برخی شهروندان تهرانی هم هستند که همیشه قبض برق آنان به طور متوسط ۱۰ هزار تومان می آمد اما این بار قبض برقشان بیش از ۵۰ هزار تومان آمده است. هم اکنون مطابق با قانون بودجه سال ۸۹ کل کشور، قیمت تمام شده هر کیلووات ۸۳۲ ریال است که به طور متوسط به ازای هر کیلووات ساعت از یک مشترک ۱۶۰ ریال دریافت می شود." هر چند که دولت احمدی نژاد مدعی است که هدفمند کردن یارانه ها در جهت "تامین" منافع قشرهای پایینی جامعه است، اما با در نظر گرفتن میزان پرداخت احتمالی یارانه ها و حذف یارانه های دولتی بر کالاهای اساسی، باید دید چه کسانی از این طرح سود می برند؟ بنا به گزارش نفت نیوز (شنبه ۱۵ اسفند ۸۸): "دولت به طور معمول ۱۱۰ تریلیون تومان به انواع یارانه ها اختصاص می دهد که طی سال های ۸۵ تا ۸۷ به بیش از ۲۲۰ تریلیون تومان رسید. بخش عمده این یارانه به حامل های انرژی و سوخت اختصاص یافته است و به طوری که از این میزان تنها ۱۰ درصد یارانه های پرداختی به کالاهای اساسی نظیر: آرد و نان، قند و شکر و روغن های خوراکی تعلق داشت."

این به مفهوم اختصاص دادن مبلغی حدود ۱۰۰ تریلیون تومان، در بهترین شرایط برای دولت، برای یارانه حامل های سوخت است. در این بین چه بر اساس "تصویب" مجلس، ۲۰ تریلیون تومان یارانه مستقیم به مردم پرداخت شود، و چه در صورتی که دولت احمدی نژاد، بنا به ادعای خود، بخواهد ۴۰ تریلیون تومان را به یارانه مستقیم اختصاص دهد، به هر حال حداقل ۶۰ تریلیون تومان برای دولت "صرفه جویی" خواهد شد. با این وجود و بر اساس نسخه های پیچیده شده از طرف "صندوق بین المللی پول"، با آزاد سازی قیمت ها بخش وسیعی از این پول از طریق افزایش قیمت ها، به ویژه حامل های سوخت، دوباره از دست مردم خارج می شود و نصیب صاحبان و در اختیار دارندگان حامل های سوخت خواهد شد که در این میان سپاه پاسداران در مقام بزرگ ترین سهام دار و در اختیار دارنده آنها، بالاترین سود را خواهد برد.

در همگامی با طرح هدفمند کردن یارانه ها، صندوق بین المللی پول نیز با پشتیبانی از این برنامه، آن را برای اقتصاد ایران "مفید" خواند و به نفع بازار جهانی نفت دانست. به نقل از روزنامه ایران، ۸ مهر، چنین آمده است: "دو اقتصاددان ارشد صندوق بین المللی پول با حمایت از قانون هدفمند کردن یارانه ها اعلام کردند که، این قانون اقتصاد ایران را متحول خواهد کرد و به نفع بازار جهانی نفت خواهد بود. بخش تحقیقات آنلاین صندوق بین المللی مصاحبه یی را با دو اقتصاددان ارشد این سازمان در مورد قانون هدفمند کردن یارانه ها در ایران انجام داده است که طی آن این اقتصاد دانان تأکید کرده اند که، اجرای قانون مزبور می تواند نحوه کار اقتصاد ایران را تغییر دهد و بر انجام اصلاحات مشابه در دیگر کشورهای مصرف کننده انرژی تأثیر بگذارد. دومنیک گیلوم و رومان زیتیک پیش بینی کردند که، با حذف یارانه های نفت و گاز تقاضا برای انرژی در ایران کاهش یابد و منابع بیشتری برای صادرات فراهم شود. به عقیده آنها، اگر همه چیز بر اساس برنامه پیش برود استراتژی ایران می تواند هدف دوگانه ایجاد درآمد بیشتر برای کشور و مهار اسراف و استفاده افراط آمیز از انرژی در این کشور را محقق کند. آنها با بیان اینکه ایران هفدهمین اقتصاد بزرگ دنیاست، اوضاع اقتصاد ایران را چنین توصیف می کنند: "ایران با داشتن دیون خارجی اندک که کمتر از ۷ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است دارای منابع قابل توجه انرژی از جمله منابع هیدروکربوری است."

پی آمد های این طرح ها، افزایش نجومی قیمت ها در همه زمینه ها است. با آزاد سازی قیمت ها از طریق حذف یارانه ها، به ویژه در مورد حامل های سوختی، قیمت برق، گاز و آب افزایش می یابد، که با در نظر گرفتن قبض های اخیر برق، حدود ۵ برابر خواهد شد که به نوبه خود به افزایش هزینه های تولید کالاهای دیگر خواهد انجامید. در این صورت با در نظر گرفتن کالاهای "وارداتی" ارزان قیمت، که بسیاری از آنها به صورت قاچاق و زیر نظارت سپاه وارد کشور می شوند، تولیدات داخلی توان رقابت

ادامه زنان، و مبارزه با لایحه ...

“چند همسری را ممنوع کنید” را به دبیرخانه دفتر رییس مجلس شورای اسلامی تحویل دادند. ... پایگاه اطلاع رسانی مدرسه فمینیستی، ۴ مهر ماه، در مطلبی با عنوان: “ماراتن نفس گیر زنان برای جلوگیری از تصویب لایحه حمایت از خانواده” چنین گزارش داد: “... تعداد پنج هزار امضاء جمع آوری شده توسط عده ای از فعالان جنبش زنان (از همگرایی، کمپین، مادران صلح و ...). زنان در پی ملاقات با نمایندگان برآمدند تا از این طریق اعتراض خود را به نمایندگان مجلس برسانند. به رغم تلاش هایی که ظرف یک ماه گذشته به عمل آمد، هیچ یک از نمایندگان حاضر به ملاقات با خانم ها نشدند و سرانجام ... به دفتر ریاست مجلس آقای لاریجانی هدایت شده و در آنجا ... به کمک مسئول دفتر ترتیب ملاقات یک نفر نماینده از خانم ها با اعضای کمیسیون قضایی مجلس داده شد. ... این اقدام حلقه ای از سلسله اقدام های گسترده ای است که جنبش زنان میهن ما، بر رغم فضای امنیتی و اعمال فشارها، بر ضد لایحه حمایت از خانواده تدارک دیده و انجام داده است. این حرکت بلافاصله با واکنش نیروهای واپس گرا و مدافعان دولت نامشروع کودتا مواجه شد. رییس بسیج جامعه زنان جمهوری اسلامی در جریان همایش “زنان، صیانت از انقلاب اسلامی و ۳۰ سال پایداری” با محکوم کردن مخالفت های گسترده با لایحه ضد خانواده یادآوری کرد: “... امروز با جنگ نرم دشمن و هجوم سنگین فرهنگی آن مواجه هستیم ... سه جریان فکری عمیق در حوزه زنان و خانواده در داخل کشور با همراهی دشمن علیه ما مقابله می کنند. ... وی این سه جریان را اصلاح طلبان، سکولارها و فعالین خارج کشور معرفی ساخت و تاکید کرد: “جریان اصلاح طلب یا تجدید نظر طلب در ارتباط با مسایل دینی، اعتقاد به تجدید نظر دارند و معتقداند برای اینکه در کنار غرب بایستیم باید از اصول و ملاک ارزشی خود عدول کنیم ... جریان بعدی سکولارها هستند که دین را قبول ندارند و از لذت زن و آزادی دفاع می کنند، این جریان کمپنی راه انداختند که دور از شان جامعه اسلامی است ... این جریان در داخل و با همراهی دشمنان در خارج فعال است و متأسفانه بعضی از جوانان ما تأثیر پذیرفته اند ... سوم نیز جریان خارج از کشور هستند که در باره وضعیت زنان ایران از سیاه نمایی فرو گذار نیستند ... هر سه این جریان ها در مقابله با نظام جمهوری اسلامی به یک نقطه مشترک می رسند ... البته در مقابله با آنها [سه جریان] جریان اصول گرایی در کشور فعال است که با دیدگاه های مترقی حضرت امام و مقام معظم رهبری و تشکل های قوی همچون بسیج حضور دارند. ... این واکنش به معنای آمادگی ارتجاع برای مقابله با هر اقدام و حرکت زنان مبارز میهن ماست و بی تردید با اوج گیری مخالفت های اجتماعی با لایحه ضد خانواده، فعال تر شده و به پیگرد بازم بیشتر فعالان جنبش زنان خواهد پرداخت. مبارزه با لایحه حمایت از خانواده که به حق ضد خانواده نام گرفته، از اهمیت فوق العاده ای در اوضاع کنونی برخوردار است. در صورت تصویب و تحمیل آن به جامعه، آینده کشور دستخوش بحرانی فراگیر و ژرف خواهد شد. محتوی این لایحه فقط زنان و حقوق آنان را هدف قرار ندهد است. لایحه مذکور تمام بنیان های خانوادگی، فرهنگی-اجتماعی و اخلاقی جامعه را به سود لایحه های متمول و انگلی جامعه و به زیان اکثریت مطلق مردم و نسل های امروز و فردا به نابودی می کشاند. یکی از حقوق دانان فعال در جنبش زنان به خبرگزاری ایلنا، ۶ مهر ماه، به درستی متذکر گردید: “لایحه حمایت از خانواده فقط به زن لطمه نمی زند، بلکه مرد و فرزند را هم نابود می کند ... ماده ۲۴ لایحه حمایت از خانواده باید حذف شود، چون تعیین سقف مهریه هم از نظر شرعی و هم از نظر قانونی خلاف است و برای حل مشکل مهریه های بالا باید حق طلاق از مرد گرفته شود ... در این صورت زنان دیگر به خاطر به دست آوردن حقوق اولیه خود مجبور نیستند مهریه سنگین را به مرد تحمیل کنند ... ماده ۲۲ نیز باید حذف شود ... اگر متعه (صبغه) در جامعه قانونی شود، آثار مخرب فراوانی به دنبال دارد. ... به علاوه، نامه زهرا رهنورد به علی لاریجانی نیز در این زمینه منتشر شد. در نامه فوق اشاره گردید: “پیشنهاد می شود برای سعادت ملت ایران و احترام و حفظ کیان خانواده با توجه به منطق قوی فعالان حقوق زن و روشنفکران ایرانی بندهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ لایحه حمایت از خانواده از دستور کار مجلس خارج ... شود.” با توجه به همه این مسایل، مبارزه با این لایحه ضد ملی و فاجعه آفرین از مهم ترین عرصه های رویارویی با استبداد و ارتجاع حاکم است. پیروزی جنبش زنان در پیکار یا توقف و کنار نهادن لایحه ضد خانواده، پیروزی جنبش مردمی و گامی در جهت تضمین آینده سالم و پویای ایران فرداست!

ادامه مقاومت سینماگران ...

گفتیم اینها روح لطیفی دارند و شاید به طور عمیق وارد مباحث سیاسی نشده اند اما الان دیگر اگر کسی بخواهد جنبش مردمی سبز را زنده کند معنی ندارد. عسگر پور در جواب این سخنان، می گوید: “ما در این یکسال گذشته کدام جمله مشفقانه از شما یا مشاور و معاونتان شنیدیم؟ کدام حرکت شما در جهت تقویت نهاد صنفی بود؟ به جز حذف افراد حاضر که به گواه مکتوبات و درخواست جلسات سعی در تعامل با شما بودند به چه اندیشیدید؟ مگر امثال ما از کجا آمده بودند؟ مگر شما از کجا آمده اید؟ مایلید سوابقمان را حداقل از ۱۳۵۷ تاکنون با هم مقابله کنیم؟” (خبر، ۹ مهر).

نکته قابل توجه این است که، اعتراض هنرمندان میهن با مشکلات صنفی حوزه کاری خودشان مرتبط بوده است، اما معلوم نیست چرا مقامات دولتی سعی می کنند آن را با انتخابات سال گذشته گره بزنند؟ لازم به تذکر است که، وزیر ارشاد در قسمتی از تهدیدهای خویش، از انجمن خانه سینما خواسته است که از سرنوشت انجمن صنفی روزنامه نگاران عبرت بگیرند با وجود تمامی این تهدیدها، سینماگران در یک حرکت جمعی، طی نامه ای حمایت خویش را از عسگرپور اعلام کردند.

موضوع حذف سینماگران مردمی در حالی توسط دولت ریاکار احمدی نژاد ادامه دارد که همین چندی پیش رحیم مشایسی، در خیرهایی که در رسانه های داخلی انتشار یافت، تلاشی را آغاز کرده تا خوانندگان و هنرمندان مقیم لس آنجلس را به ایران دعوت کند. جریان ریاکار حاکم از یک طرف هنرمندان و دست اندکاران سینما در ایران را هر روز بیشتر زیر فشار قرار می دهد و از طرف دیگر با اقدامات نمایشی سعی می کند چهره ای هنر پرور از خود نشان دهد. به راستی وضعیت واقعی فرهنگ و هنر ایران چگونه است؟ خبرگزاری مهر، ۳۰ مرداد، در گزارشی با عنوان: “تعطیلی ۲۸ سینمای خوزستان، ۱۷ شهر سینما ندارد”، به وضعیت سینماهای این استان در حال حاضر می پردازد. خوزستان به دلیل حضور انگلیسی ها در این استان، سابقه ای ۱۰۳ ساله در رابطه با سالن های سینما دارد، اما هم اکنون در شهرهای آن سینماها یکی پس از دیگری به تعطیلی کشانده می شوند. همین وضعیت در مورد آذربایجان غربی نیز وجود دارد. از ۱۳ سینمای تحت پوشش حوزه هنری استان با ۹ هزار صندلی فقط دو هزار صندلی در استان فعال است. ایلنا، ۳۰ مرداد، در اشاره به یک برنامه تلویزیونی در رابطه با امور سینما، نوشت: “در برنامه هفت، تاکید شد که درها به روی ساخت فیلم اجتماعی بسته شده، فیلم های اجتماعی و انتقادی جای خود را به فیلم های کمدمی داده و بر اساس آمار، ایرانی ها هر پنج سال یکبار به سینما می روند.” لازم به تذکر است که، کشور عربستان سعودی تنها کشور در جهان است که در آن سینما وجود ندارد، و حکومت طالبان در دوران حاکمیت رسمی خویش قبل از حمله آمریکا، تمامی فعالیت های هنری را که می توانست در شکل های متفاوت ظهور پیدا کند به شدت سرکوب می کرد. حاکمان مرتجع رویای چنین وضعیتی را در سر می پروراند.

ایجاد چنین وضعیتی به اضافه فشارهای ذکر شده در بالا توسط دولت احمدی نژاد با یک برنامه ریزی از قبل تهیه شده، در راستای مسخ جامعه هنری میهن مان است. مرتجعان قصد دارند اندیشه های ارتجاعی خویش را برای چپاول هر چه بیشتر منابع مالی با زور سر نیزه به جامعه پویا و زنده ایران تحمیل کنند. تاریخ بیش از صد سال مبارزه مردم ایران نشان می دهد که این در نهایت اندیشه مترقی است که تسلط خویش را حکمفرما می سازد. تحولاتی که در عرصه هنری ایران هم اکنون در جریان است نادرستی تحلیل هایی را نشان می دهد که معتقد است جنبش مردمی به عقب رانده شده است. باید با سازمان دهی این جنبش های اجتماعی، از پتانسیل بالای آنها برای تحقق خواست های مردمی نهایت بهره برداری را کرد.



دانشگاه علوم و فنون بابل (مازندران) برای چند تن از فعالین دانشجویی این دانشگاه احکام مختلف انضباطی صادر کرده است. همچنین رییس این دانشگاه طی حکمی دفتر انجمن اسلامی را پلمپ و فعالیت آن را غیر قانونی خواند. ... این یورش برنامه ریزی شده کاملاً قابل پیش بینی بود و ابدا جنبش دانشجویی را سردرگم و منحرف نساخته است. جنبش دانشجویی به عنوان بخش جدایی ناپذیر مبارزات همگانی ضد استبدادی با حفظ هوشیاری در حال تجدید سازمان دهی براساس ضروریات نوین است. این واقعیت را می توان از لایه لایه بیانیه دفتر تحکیم وحدت- شورای تهران- ۳ مهر ماه، به خوبی لمس کرد. در

بیانیه مذکور از جمله آمده است: "حرکت های حق طلبانه ... دانشجویی در طول یک سال اخیر با سرکوب شدید نهادهای امنیتی و نظامی مواجه شده است. سرکوبی که باز نمایانگر تلاش برای بستن یکی دیگر از منافذ تنفسی جامعه است. در این میان غالب دانشجویان ... در حال باز تعریف و اتخاذ استراتژی های جدید برای فعالیت هستند. ... کودتاچیان هرگز نخواهند توانست با زور و سرکوب صدای حق طلبانه جنبش پرتوان دانشجویی را خاموش سازند. دانشگاه زنده است و برضد جهل، خرافه، دیکتاتوری و ارتجاع می رزمند!

تامین مسکن، رؤیای دست نیافتنی زحمتکشان

با اوج گیری نارضایتی در محیط های کارگری که با تبلیغات دولت پیرامون اجرای قانون هدمندسازی یارانه ها ابعاد وسیع تری یافته است، وزارت کار دولت ضد ملی احمدی نژاد ناگهان به یاد معضل مسکن کارگران و زحمتکشان افتاده، و با هیاهوی بسیار، شروع به انتشار گزارشات درخصوص تلاش این وزارتخانه برای حل مساله مسکن کرده است. یکی از آخرین نمونه ها، انتشار گزارش جزئیات کامل طرح تامین مسکن کارگران است که در ۴ مهر ماه از سوی خبرگزاری مهر بازتاب پیدا کرد. در این گزارش آمده است: "براساس جدیدترین آمارهای وزارت کار، بیش از ۵۴۸ هزار کارگر فاقد مسکن در کشور شناسایی شده که برای ایجاد ۲۹۱ هزار واحد مسکونی تاکنون ۲ هزار و ۴۰۰ هکتار زمین اختصاص یافته است ... در استان های آذربایجان شرقی، ایلام، آذربایجان غربی، اردبیل، خراسان رضوی، لرستان و گیلان و مرکزی کارگران واجد شرایط استفاده از تسهیلات مسکن مهر به وزارتخانه های تعاون و مسکن و شهرسازی معرفی شده اند." این گزارش تبلیغاتی زمانی انتشار می یابد که حتی تشکل های موجود کارگری نظیر خانه کارگر نیز از سیاست دولت کودتا و وزارت کار آن در خصوص حل معضل مسکن شدیداً ناراضی اند و زبان به انتقاد گشوده اند. تعاونی های مسکن کارگری زیر فشار دولت کودتا تمام امکانات خود را از دست داده و کلیه زمین هایی که برای خانه سازی از سوی دوایر دولتی واگذار می گردد، فقط در اختیار عده ای خاص قرار دارد. در حالی که دلایان وابسته به حکومت و آقازاده ها و شرکت های وابسته به سپاه پاسداران بدون کم ترین مانعی هکتارها زمین را می بلعند، تعاونی های مسکن کارگری سالیان دراز در نوبت دریافت زمین بسر می برند. وزارت کار روشن نمی کند که، تسهیلات تامین مسکن چگونه، چه زمان و به وسیله کدام نهاد به کارگران تعلق می گیرد یا گرفته است؟! معضل مسکن تنها مشکل بخش کوچکی از زحمتکشان نیست. وزارت کار مدعی شناسایی ۵۴۹ هزار کارگر فاقد خانه است، اما آمار رسمی که



دانشگاه زنده است!

همزمان با بازگشایی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، شاهد یورش حساب شده ارتجاع به جنبش دانشجویی و افزایش فشارها هستیم. به گزارش رسانه های همگانی، بلافاصله پس از گشایش کلاس های درس در مهر ماه، شورای هماهنگی فعالیت های فرهنگی دانشگاه ها، ۱۹ مصوبه در باره عفاف و حجاب را به مراکز آموزش عالی ابلاغ کرد. مطابق این ابلاغیه، احکام تنبیهی شدیدی برای دانشجویان به اصطلاح "متخلف" در نظر گرفته شده است. چنین ابلاغیه ای فقط و فقط برای مقابله با اعتراضات دانشجویی بوده و سیاست ارجاب و تهدید در دانشگاه ها را تعقیب می کند. به عنوان مثال، مسئولان دانشگاه علامه طباطبایی رسماً اعلام کرده اند که برای دانشجویان "بدحجاب"، یک تا دو ترم تعلیق از تحصیل را در نظر گرفته اند. در دانشگاه اصفهان از دانشجویان برای رعایت "حجاب" تهدید کتبی گرفته می شود و یا در دانشگاه تبریز از ورود دختران "بدحجاب" به محوطه دانشگاه و حضور در کلاس ها جلوگیری می شود. در همین حال در نخستین روزهای فعالیت تحصیلی در دانشگاه ها، عناصر لباس شخصی و اوباش بسیجی، دانشجویان مبارز و فعالان را مورد حمله و ضرب و شتم قرار دادند. دانشجویان نیز، ۴ مهر ماه، گزارش داد: "برخورد انتظامات دانشگاه آزاد رشت با دانشجویان موجب آن شد تا تعداد بسیار زیادی از دانشجویان در مقابل درب ورودی دانشگاه اعتراض کنند که در این هنگام انتظامات دانشگاه شروع به ضرب و شتم دانشجویان و پراکنده کردن آن ها و جلوگیری از ورود آنان به دانشگاه می نماید." مشابه همین رفتار یعنی ضرب و شتم دانشجویان در دانشگاه های آزاد واحد تهران مرکز، رودهن و شهرکرد در همان هفته اول بازگشایی دانشگاه ها اتفاق افتاده است. به علاوه، دانشجویان نیز، دوم و سوم مهرماه، در دو گزارش جداگانه، خبر از پلمپ دفاتر تشکل های دانشجویی در شیراز و بابل را داد. به گزارش دانشجو نیز، ۲ مهر ماه، انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شیراز، طی حکمی از جانب هیات نظارت دانشگاه ... غیر قانونی اعلام شد و با حضور ماموران حراست دفتر انجمن پلمپ شد. همچنین دانشجو نیز، ۳ مهر ماه، اعلام داشت: "در آغاز سال تحصیل جدید، کمیته انضباطی

ادامه رویدادهای ایران ...

سال گذشته از سوی شوراهای اسلامی کار، که اتفاقاً نماد کامل وابستگی و خدمتگذاری رژیم نیزهست، حاکی از وجود بیش از ۲ میلیون کارگر فاقد مسکن در استان های تهران، آذربایجان شرقی، خوزستان، مازندران، یزد و اصفهان است. به هر روی، تبلیغات اخیر وزارت کار پیرامون حل معضل مسکن صرفاً اقدامی فریبکارانه برای انحراف اذهان زحمتکشان از پیامدهای ناگوار جراحی بزرگ اقتصادی است.

واپس گرایی، قشریت و چپ ستیزی

یکی از ویژگی های بارز جریانات تاریک اندیش که با کودتای انتخاباتی کرسی قوه مجریه جمهوری اسلامی را در اختیار گرفتند، ضدیت آنان با اندیشه های نو، ترقی خواهانه و مردمی است. چپ ستیزی در کنار تعصب کور و قشریت از مشخصه های چنین جریاناتی به شمار می آید. اما به رغم این حقیقت، مرتجعان حاکم، به ویژه باندهای ماوراء راست هوادار دولت کودتا، طی چند سال اخیر برای فریب افکار عمومی تلاش داشته اند خود را به آن دسته از کشورهای آمریکای لاتین که احزاب و نیروهای مردمی و چپ در آنها قدرت دولتی را به دست آورده اند، نزدیک و "همسو" نشان دهند. تحولات اخیر کشور و تلاش های آشکار و پنهان دولت کودتا برای زد و بند با آمریکا و اتحادیه اروپا، سبب گردیده است تا ارکان های تبلیغاتی کودتاچیان و جریانات ضد مردمی هوادار دولت احمدی نژاد، چهره و ماهیت واقعی خود را از پس پرده این "همسو" بی دروغین، مزورانه و ریاکارانه تا حدودی نشان دهند. در هفته های گذشته موجی از دروغ پردازی، شایعه پراکنی و حملات بی امان به اندیشه های مترقی و خصوصاً کشورهای ترقی خواه آمریکای لاتین نظیر کوبا، ونزوئلا و جز آن ها، از سوی شبکه های تبلیغاتی ارتجاع، به ویژه خبرگزاری فارس، رجانپوز، جهان نیوز و نظایر این ها، به راه افتاده است. به عنوان نمونه، رجانپوز، ۱۹ شهریور ماه، در مطلبی سراسر دروغ، با حمله به کوبای سوسیالیستی نوشت: "قطع امید فیدل کاسترو از نظام کمونیستی. رییس جمهوری پیشین کوبا اعلام کرد که به ضعف و عدم کارایی نظام سیاسی و اقتصادی کمونیستی در کشورش پی برده است ... راتول کاسترو برادر وی که رییس جمهوری کوبا را برعهده دارد، در تلاش است تا تغییراتی را به ویژه در ساختار اقتصادی کمونیستی این کشور ایجاد کند. ... به علاوه، پایگاه تبلیغاتی جهان نیوز، که از زمره بلند گوه های کودتاچیان است، ۱۷ شهریور ماه، نوشته بود: "فیدل کاسترو خطاب به آمریکا و اسرائیل: ایرانی ها در برابر تهدید عقب نشینی نمی کنند." در ادامه این دروغ پردازی های هدفمند و عوام فریبانه، خبرنگار آتلین، ۱۹ شهریور ماه، با ایراد اتهامات زشت به دولت ونزوئلا و شخص هوگو چاوز، مدعی رابطه و زد و بند سوسیالیست ها و چپ های ونزوئلا با "صهیونیسم" شد. خبرنگار آتلین گزارش داده بود: "چاوز در آستانه ملاقات با یهودیان کشورش گفت اطمینان به همه می دهیم که در روز یوم کیبور شرکت می کنیم. چاوز که بی خداست اعلام کرد در روز یوم کیبور (روزه بزرگ یهودیان) شخصاً در این مراسم شرکت می کند. این دوست بی خدای احمدی نژاد با یهودیان دیدار می کند. ... چنین تبلیغات هدفمند و زهرآگینی از سوی ارتجاع حاکم و رسانه های وابسته به آن بی هیچ وجه موجب حیرت و شگفتی نیست و نخواهد بود. اصولاً چپ ستیزی و دشمنی و کینه با اندیشه های مردمی جزء جدایی ناپذیر ماهیت کودتاچیان و ارتجاع حاکم برمیهن ماست.

هزینه درمان، باری بر دوش طبقات محروم جامعه

انتشار آخرین آمار و برآوردهای نماینده سازمان بهداشت جهانی در ایران درخصوص وضعیت بهداشت و سلامت در جمهوری اسلامی، حاوی حقایق تلخ و دردناکی است که همواره در لایه لایه خبرها و گزارشات رسانه های داخلی به دست فراموشی سپرده می شوند. خبرگزاری ایلنا، ۳۰ شهریور ماه، گزارش می دهد: "بنابر آمار سازمان بهداشت جهانی، سالانه یک درصد از جمعیت ایران به خاطر هزینه های درمان فقیر می شوند. نماینده سازمان

جهانی بهداشت اعلام داشت، در زمینه بهداشت در ایران، برای (حداقل) ۵/۲ درصد جمعیت کشور هزینه درمان فاجعه بار است. یکی از مشکلات توسعه بهداشت و درمان کشور ایران، پرداخت بیش از ۶۰ درصد هزینه درمان توسط خود اشخاص و خانواده هاست که این آمار بسیار بالایی است و موجب تحمیل هزینه های سنگین به افراد جامعه می شود. ... " در این آمار همچنین به نکات دیگری همچون افزایش فقر مطلق در ایران، کاهش نرخ اشتغال زنان و موضوع محیط زیست و اثرات آن بر سلامت افراد و جامعه اشاره گردیده است. در بخش مربوط به افزایش فقر مطلق در جامعه ایران، تصریح شده که قدرت خرید مردم ایران سیر نزولی طی کرده و آمار مربوط به مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی ۱۵ درصد است، که این میزان مشارکت حتی نسبت به دیگر کشورهای همسایه ایران فوق العاده پایین است! افزایش سرسام آور هزینه های مربوط به درمان و بهداشت، دسترسی به پزشک، دارو و امکانات بهداشتی و پزشکی را برای اکثریت جامعه ایران دشوار ساخته است. عدم انطباق دستمزد کارگران و کارمندان با نرخ تورم سبب بی عدالتی در کلیه زمینه ها از جمله دسترسی به امکانات پزشکی است. برای میلیون ها زحمتکش فکری و یدی میهن ما هزینه های دم به دم افزایش یابنده بهداشت و درمان به کابوسی هولناک بدل شده، و با اجرای قانون هدفمند سازی یارانه ها و حذف تعرفه بیمه های درمانی و برنامه خصوصی سازی کامل بیمارستان ها و واگذاری مراکز درمانی تامین اجتماعی به بخش خصوصی، وضعیت از حال حاضر نیز وخیم تر خواهد شد. به این مسایل باید کمبود دارو، به ویژه داروهای ضروری و حیاتی، کمبود پزشک و تخت بیمارستان را افزود تا ژرفای عملکرد فاجعه بار رژیم ضد مردمی ولایت فقیه را دریافت. در این زمینه، طی ۵ سال اخیر دولت احمدی نژاد با خرابکاری عمدی در سازمان تامین اجتماعی، میلیون ها کارگر تحت پوشش بیمه های درمانی را در چنگ مافیای دارو گرفتار کرده و سلامت آنان و خانواده هایشان را با خطر مواجه ساخته است.

بدرود رفیق صمد

با کمال تأسف درگذشت رفیق صمد صمدی در کانادا را به اطلاع آشنایان، اعضاء و هواداران حزب توده ایران می رساند. رفیق صمد از عنفوان جوانی به حزب توده ایران پیوست و با ایمان و عزمی راسخ و صادقانه به انجام وظایف حزبی می پرداخت و کوشش می کرد مسئولیت هایی را که به او محول می شد به خوبی و شایستگی انجام دهد. رفیق صمد از هم‌زمان زنده یاد علی امید بود و در راه تحقق آرمان های طبقه کارگر سال ها با او و سایر کارگران رزمنده ایران هم کاری نزدیک داشت. رفیق صمد برای رفقای که با او تماس داشتند و مخصوصاً رفقای که زیرمسئولیت او کار می کردند سرمشق شایسته ای بود. جدیت و پشتکار او در پیش برد سیاست جاری حزب، در حدود مسئولیت خود، و عشق و علاقه او نسبت به حزب توده ایران، چشمگیر و برای دیگر رفقا توجه برانگیز بود.

رفیق صمد قبل از انقلاب مجبور به ترک میهن و مهاجرت به خارج از کشور شد. در آن جا نیز به مبارزه در راه شناساندن اهداف حزب به جوانان ایرانی مقیم شمال ایالت کالیفرنیا ادامه داد، و تا پایان عمر نسبت به حزب طبقه کارگر و منافع زحمت کشان ایران وفادار و کوشا بود. رفیق صمد در سال های اخیر نیز با وجود کهولت سن و کسالت ممتد با عشق و علاقه وافر از تماس با رفقای هم‌رزم و انتقال تجربه های گران بهای خود به آنان و تشویق شان به ادامه مبارزه غفلت نمی ورزید.

یادش گرامی و راهش پُر رهرو باد.

ادامه تحزب در قفس تنگ ...

در پی استفاده ابزاری از خانواده شهدا و دیدار با آنها برای منحرف کردن نیروهای انقلابی و ارزشی است. " به علاوه، روزنامه کیهان نیز، پنجشنبه ۸ مهر ماه، در یک جوسازی حساب شده طی گزارشی نوشت: "وزیر اطلاعات با حضور در مجلس از اخلاص گری جریان فتنه در اجرای قانون هدفمند سازی بارانه ها خبر داد...." این گونه جو سازی ها و جنگ روانی - تبلیغاتی به طور گسترده در هفته های اخیر جریان داشته است، که یک نمونه دیگر آن مطالب و خبرهای دروغین روزنامه رسالت در باره روابط میان جنبش سبز و اصلاح طلبان بود، که با واکنش به موقع و درست میرحسین موسوی روبه رو شد. "کلمه"، پیرامون این دروغ پراکنی های رسالت، کیهان، خبرگزاری فارس و رجانیوز نوشته بود: "روزنامه رسالت که در رقابت شدید با کیهان برای تهمت و دروغ به منتقدان دلسوز وضع موجود است در جعل خبری تازه مدعی اختلاف میان موسوی، خاتمی و کروبی شده بود. ... " با توجه به همه این مسایل، با قاطعیت می توان خاطر نشان ساخت، اعلام انحلال احزاب اصلاح طلب آن هم در این مقطع مشخص، فقط و فقط بخشی از طرح مرتجعان حاکم برای مقابله با جنبش مردمی است و به هیچ رو براساس حتی قوانین حاکم نیز نمی تواند باشد. بیانیه جبهه مشارکت، که بلافاصله پس از سخنان اژه ای منتشر شد، به درستی این سخنان و مواضع را بدون پشتوانه حقوقی و قانونی معرفی می سازد. در بیانیه جبهه مشارکت یادآوری گردیده: "در چه زمانی و توسط چه مرجع قضایی کیفر خواست علیه جبهه مشارکت صادر شده است؟ ... حکم دادگاه چگونه و به چه کسی ابلاغ شده است؟ ... اعلام شفاهی یک حکم از سوی سخنگوی قوه قضاییه هیچ گونه ارزش قضایی ندارد و برای هیچکس منع و تکلیفی ایجاد نمی کند. ... " پرواضح است که دستگاه قضایی رژیم ولایت فقیه هرگز از استقلال برخوردار نبوده و نباید انتظار رعایت قانون و عدالت حقوقی و قضایی را از آن داشت. این دستگاه بخشی از ماشین سرکوب و جنایت کودتاچیان قلمداد می شود. مواضع یکی از مسئولین ارشد این قوه یعنی دادستان کل و سخنگوی آن درباره حکم انحلال جبهه مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی بهترین گواه بر عدم استقلال و وابستگی آن به ارگان های نظامی - امنیتی است. جلوگیری از فعالیت، و انحلال احزاب اصلاح طلب توطئه ای از پیش برنامه ریزی شده به شمار می آید که نه یک حکم قضایی و حقوقی، بلکه یک فرمان ولایی و لاجرم غیر قانونی است! کودتاچیان با تشدید فضای امنیتی و اعمال فشار می کوشند موقعیت شکننده و دشوار خود را در مقابل دیگر جناح های طیف ارتجاع حاکم و نیز جنبش مردمی تقویت کنند. انحلال احزاب اصلاح طلب و اعمال محدودیت های اخیر به ضد مخالفان کودتای انتخاباتی و چهره های موثر جنبش مردمی، همگی در این راستا قرار دارند.

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن این اقدامات ضد مردمی دستگاه قضائیه رژیم ولایت فقیه، همه نیروهای آزادی خواه را به اعتراض بر ضد این بیدادگری ها فرا می خواند.

ادامه سودجویان نوکیسه ...

می شود و ایجاد فرسایش شدید خاکی و صرف هزینه هنگفت هم که توضیح ندارد. ...

با این وجود، قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه پاسداران همچنان از اجرای ضربتی طرح های عمرانی یا به عبارت دیگر سد سازی غیر استاندارد دم می زند. خبرگزاری مهر، ۱۷ شهریور ماه، در گزارشی این اشتباهات سیری ناپذیر سپاه را بازتاب داد: "سردار قاسمی فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء در مراسم امضای تفاهم نامه میان این قرارگاه با انجمن شرکت های ساختمانی اظهار داشت، این قرار گاه سعی دارد تا به عنوان پل ارتباطی میان سازندگان و پیمانکاران باشد و با انتقال موانع کاری آنها به دولت بستر فعالیت بیشتر و کارآفرینی آنها را فراهم کند ... قرار گاه خاتم الانبیاء آمادگی حضور در اجرای هر طرح عمرانی در کشور را دارد. ..."

طبیعت منحصر به فرد و زیبای کشور و چشم انداز دلگشای آن با چنین فعالیت هایی با سرنوشت نامعلومی مواجه گردید ه است. چهل، سودجویان و نوکیسه گان چون تیشه ای بر ریشه محیط زیست ایران فرود آمده اند و زندگی نسل های امروز و فردای میهن ما را به چالش گرفته اند. باید هر چه زودتر مانع از تخریب فاجعه بار محیط زیست کشور شد!

سیاسی آزاد را نداشته و دادگاه نیز هر دو حزب را متحل اعلام کرده است. در این باره خبرگزاری فارس، ۵ مهر ماه، گزارش داد: "محسنی اژه ای درخصوص انحلال پروانه فعالیت حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی گفت: "در ماده ۱۶ قانون احزاب آمده است که چنانچه حزب یا گروهی یکی از موارد ذکر شده در این ماده را نقض کند، طبق آن کمیسیون ماده احزاب که متشکل از نمایندگان سه قوه است، می تواند پروانه حزب فوق را توقیف کند ... کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، پروانه فعالیت آنها را توقیف و از دادگاه درخواست انحلال این دو حزب را کرده بود که دادگاه نیز تصمیم به انحلال این دو حزب گرفته است و در حال حاضر این دو حزب حق فعالیت سیاسی دیگری ندارند. ... " به علاوه، دادستان کل کشور و سخنگوی قوه قضاییه خاطر نشان ساخت: "برخی از افرادی که امروز از آنها به سراین فتنه تعبیر می شود. ظلم بزرگی به مردم کردند و خدمت بالایی به دشمنان قسم خورده ما کردند ... خیلی بدیهی است که اگر این افراد توبه نکنند، متنبه نشوند و جبران مافات نکنند باید مجازات شوند ... نمی توان از کنار ظلم هایی که آنها کرده اند بی مسئولیت رد شد. " سخنان اژه ای پیرامون انحلال دو حزب اصلاح طلب در حالی بیان می شود که کودتاچیان از مدتی قبل بر میزان اعمال فشار بر شخصیت های موثر جنبش مردمی، گردان های اجتماعی فعال نظیر جنبش زنان، دانشجویی و کارگران افزوده اند. در حقیقت سخنان و مواضع دادستان کل جمهوری اسلامی چیزی جز ادامه این فشارها نبوده و نمی تواند باشد! بازتاب این مواضع در رسانه های وابسته به کودتاچیان و ارتجاع حاکم به خوبی نشان می دهد، ما با توطئه ای از پیش طراحی شده رو به رویم و سخنان این مقام دستگاه قضایی ادامه و امتداد برنامه ارتجاع برای مهار و سرکوب نهایی جنبش مردمی به شمار می آید. نباید فراموش کرد که، خبر به اصطلاح انحلال جبهه مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی پس از مانور هوشیارانه و دقیق اصلاح طلبان در اعلام شکایت از ارگان های نظامی و امنیتی خصوصا سپاه پاسداران در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری، صورت می گیرد. کودتاچیان برای خنثی ساختن این حرکت صحیح در صحنه سیاسی، باز هم به سرکوب و فشار متوسل شده اند. به زعم هسته اصلی کودتای انتخاباتی برای جلوگیری از ژرفش شکاف در طیف ارتجاع حاکم و مهار انتقادات و نارضایتی های روبه گسترش در میان روحانیون با نفوذ و مراکز مذهبی، باید جریانات مخالف با کودتای انتخاباتی، از جمله جبهه مشارکت اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی از معادلات سیاسی طرد شده و به این ترتیب علاوه بر حذف یک رقیب جدی، هشدار نیز به منتقدان و نارضایتی های درحال افزایش داد. آنچه اژه ای با اعلام خبر غیر قانونی بودن احزاب اصلاح طلب عنوان ساخت چنین هدفی را دنبال می کند. در این زمینه جوان آنلاین، ۵ مهر ماه، که از رسانه های اینترنتی سپاه پاسداران محسوب می شود، درمطلبی با عنوان "پروژه تخریب آن ۷ نفر برای بازیابی فتنه گران" از جمله نوشت: "طی ماه های گذشته اسناد قابل اعتنائی از برخی چهره های اصلاح طلب و سران فتنه طی سالیان گذشته بویژه در سال ۸۸ به نحای مختلف انتشار یافت ... جلسات فتنه گران موجب شد پروژه ای در این زمینه تعریف و برای عملیاتی شدن تعریف نقش گردد. آغاز این پروژه که با شکایت ۷ تن از محکومان حوادث بعد از انتخابات از یکی از سربازان گمنام امام زمان همراه شد، تلاشی برای یک خط شکنی بود تا براساس آموزه های جین شارب (تئورسین انقلاب های مخملی) یک تزریق روحیه میان حامیان آنان بوجود آید. ..."

همچنین پایگاه خبر آنلاین، ۶ مهر ماه، با جوسازی به ضد مخالفان کودتای انتخاباتی گزارش داد: "جریان فتنه به دنبال نفوذ در بسیج و سپاه است تا بتواند با انحراف فکری در بسیجیان و پاسداران آنها را از تبعیت از ولایت فقیه منحرف کند ... جریان فتنه

مقاومت سینماگران در برابر مسخ هنر مردمی

حفظ منافع درازمدت خویش به خوبی می دانست که رشد و گسترش یک سینمای مردمی در خدمت حل مشکلات واقعی مردم، منافع آنان را با خطر جدی مواجه می سازد. از نمونه های روشن سیاست های مک کارتیسم، نوع برخورد با چارلی چاپلین، سینما گر برجسته و مردمی، قابل ذکر است. چارلی چاپلین هنگامی که در سال ۱۹۵۲ برای یک مسافرت کوتاه مدت به انگلستان، از آمریکا خارج شد، حق بازگشت به آمریکا را دیگر دریافت نکرد. به نظر می رسد که جنایتکاران حاکم بر ایران رویای یک مک کارتیسم اسلامی را در اذهان خویش پرورش می دهند، اما عکس العمل ستودنی اهالی هنر در ایران نشان داد که سیاست های ارباب و تهدید برای کسانی که می خواهند مستقل فکر کنند و اندیشه ها و ایده های خویش را در قالب هنر فیلمسازی و تئاتر به روی پرده و صحنه بیاورند، این اقدامات تأثیری ندارد.

به گزارش فرارو، ۵ مهر، عباس کیارستمی، در واکنش به اتفاقات اخیر سینمای ایران و لغو مجوز برای فیلم فرهادی، اعلام کرد که، فیلم تازه اش را در ایران نمی سازد. کیارستمی در این مصاحبه با اشاره به ناامنی به وجود آمده در سینمای ایران، اظهار داشت: "اینها دارند پیام خودشان را می دهند و می گویند سینما نمی خواهند، من این پیام را گرفتم و می گویم شما سینما نمی خواهید، باشد ولی من سینمای خودم را دارم و امکانات خودم را دارم و شما نخواهید."

همین سایت در خبری دیگر، ۷ مهر، خبر داد که ۳ کارگردان سینمای ایران از سمت های خویش در کانون کارگردانان سینما استعفا دادند.

هر چند صحبت های فرهادی بهانه ای برای حامیان دولت گردید که تیغ تیز حملات خویش را متوجه نیروهایی کنند که حاضر نیستند در مقابل خواسته های مرتجعان تعظیم کنند، اما ناراضی عمیق نسبت به سیاست های دولت پیش از این واقعه بوده است. در ۱۸ مرداد، اعضای ۲۹ صنف سینمای ایران قصد داشتند برای مسایلی همچون امنیت شغلی و بیمه بیکاری جلسه ای برگزار کنند. خبر، ۱۹ مرداد، در گزارشی راجع به سرانجام این گردهمایی که بر اثر تهدید مقامات امنیتی و وزارت ارشاد نتوانست برگزار شود، نوشت: "فشارهایی از جمله صحبت های معاون امور سینمایی وزیر ارشاد با یکی از خبرگزاری ها در مورد گردهمایی سینماگران و "شو و نمایش" نامیدن آن از یک سو و مخالفت اتحادیه تهیه کنندگان سینمای ایران [و] به کارگیری تعبیر نشان دادن "شمشیر آخته" در توصیف این حرکت صنفی و برخی مسایلی که از سوی هیات مدیره خانه سینما مطرح نشد، تجمعی را که می رفت منجر به تصویب قانونی در مورد امنیت شغلی سینماگران شود، به سکوت تبدیل کرد."

رخشان بنی اعتماد، در مراسم نمایش فیلمش به نام "حیات خلوت خانه خورشید"، در باره این فیلم و واقعیت های موجود در جامعه می گوید: "آنچه در این فیلم نکته اصلی است، این است که واقعیتی در فیلم نشان داده می شود که هیچ جا دیده نشده است. همانطور که بقیه تصاویر جامعه ما دیده نمی شود. امروز عده ای معتقدند واقعیت جامعه ما باید به شکل راز باقی بماند" (ایلنا، ۲۲ مرداد).

ناصر تقوایی، دیگر کارگردان مطرح سینمای ایران، در مصاحبه با مهر، ۱۵ شهریور، می گوید: "سالها پیش ما کوشش کردیم و نتیجه آن منجر به تشکیل خانه سینما شد. اما در سال های اخیر عده ای کبریت کشیدند و این لانه پرند را هم آتش می زنند. رقابت بین افرادی که مسئولیت های دولتی می پذیرند با کسانی که ظاهراً مسئولیت غیر دولتی در خانه سینما دارند، وجود دارد. هر چه این سینما را دولتی تر کنند حاصل کار بدتر می شود."

در حالی که سینماگران متعهد معتقد هستند که عرصه هنر، تئاتر و سینما باید واقعیت عینی جامعه را منعکس کنند، ارتجاع حاکم، همانند دیگر مرتجعان در جاهای دیگر دنیا، با تمام قدرت در صدد جلوگیری از این مهم هستند. به قول رخشان بنی اعتماد، در صدد هستند آنها را برای همیشه به صورت راز نگه داری کنند و برای حصول به این خواسته از تمامی ترفندها استفاده می کنند تا به قول تقوایی موفق شوند لانه پرند را به آتش بکشاند. بررغم تمامی این ترفندها، خبرهای تاکنونی به خوبی نشان می دهد که سینماگران متعهد و مردمی در مقابله با این سیاست ها حاضر نیستند به راحتی میدان را خالی و عرصه را برای تاخت و تاز به مرتجعان واگذار کنند. از جمله این اقدامات، جوایبه تند محمد مهدی عسگر پور به وزیر ارشاد بود. وزیر ارشاد در اظهاراتی گفت که، در جریان انتخابات سال گذشته، اتفاقاتی در مورد بعضی از هنرمندان افتاد و

مجادله لفظی، قلمی و رسانه ای بین سینماگران، اهالی هنر و تئاتر ایران باارتجاع حاکم، در طول چند هفته گذشته، رو به گسترش گذاشته است و اخبار و گزارشات متناوب حاکی از ایستادگی هنرمندان مترقی در برابر ایده ای هستند که در صدد است خلاقیت های هنری این فعالان عرصه هنر میهن را به نحوی منکوب و زیر نظارت خویش درآورد، و در نهایت آنان را وادار سازد که یا به نفع جریان ارتجاعی حاکم فعالیت کنند یا امکان فعالیت هنری از آنان سلب گردد. دور جدید درگیری از آنجا دوباره شدت گرفت که اصغر فرهادی، کارگردان سینما، در جریان جشن "خانه سینما" ابراز امیدواری کرد که شرایطی در کشور ایجاد شود تا جعفر پناهی نیز بتواند در ایران فیلم بسازد و گلشیفته فراهانی به ایران بازگردد. صحبت های اصغر فرهادی تنها موضوع مورد بحث در جریان جشن "خانه سینما" نبود. حضور فعالان عرصه هنر سینما در این جشن با نشان های سبز، به نوعی دهن کجی به ارتجاعیون حاکم تعبیر گردید و این پیام را که: اهالی هنر در ایران بررغم تمامی فشارها و تهدیدها و تضییقات، همگام و همراه جنبش مردمی به مبارزه خویش با تحجر ادامه می دهند، در بر داشت. در واکنش به این اتفاقات بود که وزیر ارشاد، در یک نشست خبری که ایلنا، ۸ مهر، آن را مخابره کرد، اظهار امیدواری کرد که اصغر فرهادی سخنان خود را جبران کند. وی در همین باره گفت: "برخی حرکات که در آن مراسم انجام شد، مثل بالا بردن مچ بند سبز، در حالیکه این حرکات بعد از گذشت یک سال و سه ماه از جریان انتخابات و اینکه همه فهمیده اند جنبش سبز به سلطنت طلب ها، کومله و سایر بیگانگان پیوسته اند، قابل پذیرش نیست." شمعدری، معاون سینمایی وزارت ارشاد، نیز با انتشار نامه ای از "مردم" بابت سخنان فرهادی عذر خواهی کرد. وی در قسمتی از این نامه می گوید: "اینکه در مراسمی بنام جشن خانه سینما با هلهله و شادی بی خبران و غافلان، پایان نظام جمهوری اسلامی را آرزو می کنند، چه باید کرد" (ایلنا، ۷ مهر).

همین دو واکنش از سوی مقامات رسمی عمق ناراضی فزاینده از دولت ضد مردمی حاکم را به خوبی نشان می دهد. با گذشت تقریباً یک سال و چهار ماه از کودتای انتخاباتی و بر خلاف تمامی جار و جنجال ها مبنی بر اینکه جنبش مردمی شکست خورده است، مقامات مزبور اعتراف می کنند که این جنبش همچنان زنده و پویا، با شیوه های گوناگون و مضموم و استوار به مبارزه خویش ادامه می دهد. در هراس از این جوشش و خروش، ارتجاع حاکم بازم چاره را در ادامه شیوه های شناخته شده می داند و با لغو مجوز فیلم درحال ساخت اصغر فرهادی، می خواهد به کسانی که خواستار مقاومت در برابر سرکوب گران هستند پیام روشنی بدهد. مشابه چنین شیوه های ضد مردمی در اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی در آمریکا از سوی سناتور مرتجع و دست راستی، جوزف مک کارتی اعمال شد. در آن زمان با پایان جنگ جهانی دوم و شکست فاشیسم هیتلری، رشد اندیشه های مترقی متأثر از سوسیالیسم تمامی کره خاکی را در می نوردید و باعث هراس سرمایه داران و مرتجعان حامی آنها شده بود. سناتور مک کارتی، به پشتوانه حمایت سرمایه داران حاکم، با متهم کردن بسیاری از نیروها و فعالان سیاسی، اجتماعی و مدنی و از جمله تعداد زیادی از هنرمندان و سینماگران، زمینه را برای کشاندن آنان به پای میز محاکمات ناعادلانه مهیا کرد، و عده زیادی هم به همین دلیل به زندان افکنده شدند و یا مورد تهدید و ارباب واقع گردیدند. هر چند مک کارتی چند سال بعد از این بازی برنامه ریزی شده فوت کرد، اما میراث شوم این نوع سیاست در عرصه های گوناگون، به خصوص در عرصه سینمای هالیوود بر جای ماند. تقریباً هیچ کس بر نقش مخرب سینمای هالیوود بر اذهان و افکار عمومی در عرصه بین المللی شکی ندارد. سرمایه داری آمریکا برای

سودجویان نوکیسه تیشه به ریشه محیط زیست ایران می‌زنند

اثرات و نتایج ناگوار رواج اقتصاد غیر مولد و دلالی در کشور فقط منحصر به جامعه و مناسبات اقتصادی- اجتماعی نیست، بلکه به مفهومی عمیق‌تر، محیط زیست کشور نیز سایه سنگین و شوم این روابط را بر خود احساس می‌کند.

معاون محیط زیست طبیعی کشور، در جریان همایش دبیران سرویس و خبرنگاران حوزه محیط زیست رسانه‌های ایران، درواست شهر یور ماه، با اشاره به وضعیت وخیم حاکم بر محیط زیست با صراحت اعلام داشت که، دریاچه‌ها خشک و تعداد حیات وحش کشور در حال کاهش جدی است و با ادامه این وضع "نسل‌های آینده ما را نفرین و بازخواست می‌کنند."

آنچه این مقام و کارشناس ارشد امور محیط زیست بر زبان می‌راند، بیان واقعیتی تلخ و دردناک قلمداد می‌شود. خبرهای مربوط به دریاچه ارومیه، تالاب بندر انزلی، جنگل‌های کهن سال بلوط دامنه‌های زاگرس، دریاچه پریشان و بختگان و جز این‌ها، طی ماه‌های اخیر در بسیاری از رسانه‌های همگانی بازتاب یافت.

وجه مشترک تمام این خبرها، نابودی و تخریب منابع طبیعی و زیست محیطی بوده و هست. اکنون کارشناسان از امکان خشک شدن قطعی دریاچه ارومیه سخن می‌گویند. معاون محیط زیست طبیعی کشور در این باره به خبرگزاری ایسنا، ۱۵ شهریور ماه، خاطر نشان ساخته بود: "... یکی از مشکلات عمده‌ای که در کشور وجود دارد مشکل دریاچه ارومیه است و اگر روند همین گونه ادامه پیدا کند تا دو، سه سال آینده دریاچه ارومیه به کلی می‌میرد. ... وی سپس با انتقاد از آرایه آمارهای غلط و بعضاً دروغ در خصوص علت نابودی دریاچه ارومیه از سوی دولت احمدی نژاد و گروهی از نمایندگان مجلس، عامل اصلی تخریب این دریاچه و فاجعه جبران‌ناپذیر زیست محیطی ناشی از آن را فعالیت‌های پیمانکاری غیر استاندارد و سودجویانه تحت عنوان سدسازی معرفی می‌سازد! این کارشناس ارشد محیط زیست ایران می‌گوید: "سدسازی عامل اصلی خشک شدن دریاچه ارومیه است و نه خشکسالی، ادعا این است که ۶۷ درصد کم‌آبی دریاچه ارومیه مربوط به خشکسالی است ... خشکسالی همیشه بوده است اما دریاچه ارومیه (در طول تاریخ) خشک نشده بود، من فکر می‌کنم علت اصلی خشکی دریاچه ارومیه به خاطر سدها و بندهای است که در مسیر رودهای منتهی به دریاچه ارومیه زده شده است ... در سال‌های مختلف به دریاچه ارومیه سرزده ام (ماموریت‌های پژوهشی) اما حال این دریاچه هیچ وقت این قدر بد نبود. الان دیگر هیچ پرندۀ ای آنجا سکونت ندارد، عقاب کم شده و برخی قسمت‌ها هم خشک شده، آدم گریه‌اش می‌گیرد ... نتیجه سه دهه توسعه ناپایدار، ناموزون و بی‌رویه است و مطمئن باشید این توسعه ناموزون فقط به دریاچه ارومیه ضربه زده است، به زودی و در آینده زخم‌های دیگری هم سرباز می‌کند. ..."

مطابق آمار رسمی منتشره در خبرگزاری ایلنا، ۱۶ شهریور ماه، ۲۱ رودخانه و ۳۹ مسیل وارد دریاچه ارومیه می‌شد، اکنون ۲۹ سد (اغلب سدهای خاکی و غیر استاندارد) در این محدوده زده شده و بنابراین دیگر آب هیچ یک از رودخانه‌ها و مسیل‌ها به دریاچه ارومیه نمی‌ریزد. مسئولان سازمان حفاظت از محیط زیست در گزارش خود پیرامون وضعیت دریاچه ارومیه اعلام می‌کنند: "تاکنون ۲۹ سد روی رودخانه‌ها هست که مورد بهره‌برداری قرار دارد، ۱۶ سد در حال ساخت است و ۱۷ سد هم در دست مطالعه ... بنابراین می‌توان حدس زد که در آینده بر سر دریاچه ارومیه چه پیش می‌آید. ..."

در حال حاضر آب دریاچه ارومیه از سطح تراز آب، ۷ متر پایین‌تر قرار دارد و شوری آن به حد فوق‌اشباع رسیده و امکان زندگی گیاهی و جانوری به ویژه زندگی برای پرندگان مهاجر وجود ندارد.

نکته حائز اهمیت در این میان توجه موشکافانه به موضوع سدسازی است. ۹۰ درصد سدهایی که در سال‌های اخیر در کشور ساخته و به بهره‌برداری رسیده‌اند از دو ویژگی برخوردار هستند. الف: این سدها خاکی بوده و فاقد استانداردهای ضروری و لازمند و بدون مطالعه کارشناسی و طی کردن مراحل قانونی ایجاد شده‌اند؛ ب: پیمانکار قریب به اتفاق این سدها

از جمله ۲۹ سد محدوده دریاچه ارومیه شرکت‌های تحت پوشش قرار گاه خاتم الانبیا سپاه پاسداران هستند. در چند سال اخیر بارها و بارها کارشناسان وزارت نیرو، سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت کشاورزی نسبت به ایجاد سدهای غیر استاندارد خاکی و اغلب بدون مطالعه دقیق هشدار داده‌اند. اما هرگز گوش شنوایی برای شنیدن طنین این هشدارها وجود نداشته و ندارد. در حقیقت سپاه پاسداران با تکیه بر قدرت بلامنازع امنیتی- مالی خود در یک فضای بی‌قانونی و برپایه منطبق همه زورجویان نوکیسه به فعالیت در عرصه سدسازی که اتفاقاً پرسود و بی‌رقیب نیز هست روی آورده است که نتیجه آن پس از گذشت نزدیک به دو دهه تخریب بی‌سابقه و کم‌نظیر محیط زیست منحصر به فرد و نمونه‌وار ایران است. جالب اینجاست که عناصر و عوامل سپاه بیشترین نقش را در دروغ‌پرانی‌های اخیر پیرامون علت خشک شدن دریاچه ارومیه برعهده دارند. تبلیغ و بزرگ‌نمایی خشک‌سالی و معرفی آن به عنوان علت تخریب و نابودی دریاچه ارومیه به طور عمده از سوی سپاه و عوامل آن صورت می‌گیرد تا نقش این نهاد امنیتی در شکل‌گیری فاجعه زیست محیطی به دست فراموشی سپرده شود. یکی از این موارد که در صفحات مطبوعات بازتاب گسترده داشت، سخنان نماینده ارومیه در مجلس است. ایلنا، سوم شهریور ماه، واکنش برخی پژوهشگران و کارشناسان تالاب در سازمان محیط زیست نسبت به سخنان نماینده ارومیه را منتشر ساخت. در این گزارش آمده است: "تعیین حق‌آبه‌های اختصاصی به دریاچه ارومیه و کوچک کردن دریاچه که به اعتقاد نماینده ارومیه در اثر خشکسالی به این روز افتاده واکنش کارشناسان محیط زیست کشور را برانگیخت. یک کارشناس تالاب در واکنش به پیشنهاد نماینده ارومیه که گفته است این دریاچه بزرگ است برای نگهداری و محافظت باید کوچک‌کنیم می‌گوید این صحبت صد درصد غیر کارشناسی است و من متأسفم که این نماینده مجلس با هیچ مشاور زیست محیطی برای آرایه این راهکار مشورت نکرده است و یا شاید این راهکار را در خواب دیده است ... اگر قرار باشد با بروز هر مشکل در مدیریت منابع آبی بیاییم اکوسیستم‌های طبیعی و دریاچه‌ها را با مشکل مواجه کنیم، قطعاً هیچ کدام از اکوسیستم‌های زیست محیطی ما دوام نمی‌آورد ... دریاچه ارومیه فقط یک دریاچه صرف نیست بلکه با حفاظت رطوبت برای نواحی اطراف خود موجب حاصل‌خیزی و به وجود آمدن هوای مطبوع و دلپذیر در قسمت آذربایجان شده است همچنین سطح آب‌های زیرزمینی را در این منطقه حفظ کرده است." این کارشناس ارشد و پژوهشگر تالاب، علت تخریب دریاچه ارومیه و دیگر دریاچه‌های ایران را، بر خلاف تبلیغات رسمی دولت، مسأله ایجاد سدهای غیر استاندارد می‌داند. او می‌گوید: "... آنچه عملاً دیده می‌شود و به عنوان عامل خشک شدن دریاچه ارومیه پذیرفته شده است، سد زدن‌های بی‌حد و حصر در مسیر رودخانه‌های منتهی به دریاچه ارومیه است. ..."

برای درک فاجعه ناشی از برنامه‌های غیر علمی سدسازی، گزارش ششم شهریور ماه خبرگزاری ایلنا از کمبود آب در استان چهارمحال و بختیاری فوق‌العاده با اهمیت است. ابتدا ذکر این نکته ضرور است که هنگام بحث در باره فاجعه زیست محیطی ناشی از سدسازی، منظور به هیچ وجه سدسازی مطابق با استانداردهای علمی و بر پایه مطالعه دقیق نیست، زیرا سدسازی علمی برای کشوری چون ایران نه تنها مضر نیست بلکه یک ضرورت حیاتی است. در واقع مخالفت با سدسازی‌های غیر استاندارد پیمانکاران سپاه و بنیادهای انگلی و پیامدهای فاجعه‌بار این گونه فعالیت‌ها، سودجویانه است. در خصوص این نوع سدسازی غیر استاندارد، ایلنا می‌نویسد: "سدسازی در سرزمین آب‌ها فاجعه‌آفرید. چه کسی باور می‌کند، سرزمینی که معروف به سرزمین آب‌ها است و سه رودخانه کارون بزرگ، زاینده‌رود و دز از کوه‌هایش سرچشمه می‌گیرد، اکنون ۲۶۰ روستایش آب ندارد، ۲۸۰ چاه‌اش خشک شده و قنات‌هایش بی‌آب‌اند. چرا استانی مانند چهارمحال و بختیاری با این همه رودخانه و سرچشمه پر آب ... خودش دچار کم‌آبی شده است؟ این سؤالی است که جواب آن را ... کارشناس منابع طبیعی در سوء مدیریت منابع آبی می‌داند. او با ابراز تأسف از توجه بیش از حد به سدسازی غیر کارشناسی و صرف بودجه‌های هنگفت در این زمینه می‌گوید در ۱۰ سال گذشته در این استان بیش از ۲ هزار میلیارد تومان صرف سدسازی شده و کاملاً غیر کارشناسی است به خاطر این موضوع شاهد افت ۱۵ متری سطح آب‌های زیرزمینی هستیم. کسی نمی‌گوید سدسازی بد است و یا با احداث آن مخالفیم، بلکه باید علمی و استاندارد باشد.

در بحث مدیریت سدسازی باید گفت قرار گرفتن این سدها روی گسل زلزله‌است که خود باعث به هم خوردگی تعادل و حرکت‌های زمین‌لرزه‌ای

ادامه برداشت‌هایی اولیه از بزرگ‌ترین اعتصاب ...

• توافق در مورد جلو کشیدن تاریخ پرداخت‌های جاری از اول ژوئیه ۲۰۱۱ به اول ماه مه ۲۰۱۱ و اول آوریل ۲۰۱۲؛

• توافق بر سر ارائه یک طرح مسکن جدید تا اول آوریل ۲۰۱۲؛
تعهد در مورد برابری یارانه کمک‌های بهداشتی و درمانی تا اول دسامبر ۲۰۱۰. سندیکاها همچنین نظارت بیشتر کارکنان را بر "برنامه کمک‌های بهداشتی و درمانی" دولت خواستارند.

متحدان ما

هیچ اعتصابی غیرسیاسی نیست. اعتصاب‌ها به طور ضمنی و تلویحی روابط اجتماعی موجود را زیر علامت سؤال می‌برند. اعتصاب در بخش دولتی، خواه ناخواه کارمندان را در برابر دولت، به عنوان کارفرما، قرار می‌دهد. وقتی آن دولت آشکارا از رسیدگی به نیازهای اساسی کارگران و فرودستان و تأمین آن‌ها سر باز می‌زند، آن اعتصاب سیاسی است.

اگرچه مفسران مطابق معمول در پیش‌بینی اینکه ائتلاف ما با متحدان مان (در کنگره ملی آفریقای جنوبی) به زودی از هم خواهد پاشید شتاب دارند، اما باید پذیرفت که بی‌شک اعتصاب روی یکپارچگی ائتلاف ما بی‌تأثیر نبوده است. به علت نبود پیشرفت در راه بهتر شدن زندگی همگان، سرخوردگی و دل‌سردی گسترده‌ای پدید آمده است. مشاهده ریخت و پاش و ولخرجی دولت در حالی که از کارمندان می‌خواهد کمربندهای شان را سفت‌تر ببندند و صرفه‌جویی کنند، این دل‌سردی از پیشرفت کار را تشدید کرده است.

علاوه بر این، ما توصیه حزب "کنگره ملی آفریقا" را نیز نمی‌پذیریم که "کنگره سندیکاها" نباید در مذاکرات مربوط به خدمات دولتی شرکت کند. "کنگره سندیکاها" سپر حفاظت از کارگران و کارمندان است. علت وجودی آن یاری‌رسانی، راهنمایی، پشتیبانی، و همبستگی با کارگران و کارمندان در حال مبارزه است. "کنگره سندیکاها" از جانب سندیکاهای عضو و با موافقت آنها این کار را انجام می‌دهد.

در ارتباط با حزب کمونیست آفریقای جنوبی نیز نگرانی‌هایی ابراز شده است از این لحاظ که حزب به اندازه کافی صدای اعتراض را بلند نکرده است. برای ما، در "سندیکای دموکراتیک معلمان آفریقای جنوبی"، به خوبی روشن است که حزب کمونیست نه فقط از کارگران و کارمندان حمایت کرد، بلکه در تمام استان‌ها در کنار آنها حاضر بود. با وجود این، من فکر می‌کنم گفتگو پیرامون چگونگی صف‌آرایی حزب کمونیست مفید خواهد بود، به ویژه در این مورد که، آیا رهبران حزب می‌توانند در دولت شرکت کنند بدون آنکه در نقش حزب کمونیست در مقام پیشاهنگ مبارزه کارگران مصالحه کنند؟

ادامه آزدسازی قیمت‌ها و حذف یارانه‌ها ...

را از دست خواهند داد و در نتیجه با کاهش تولیدات داخلی، و سرعت یافتن روند سقوط اقتصاد بومی، بیکاری رو به افزایش گذاشته و تعداد بیشتر مردم کشورمان را به دامان بیکاری سوق خواهد داد.

در این میان، به دلیل نظارتی که سران سپاه بر بخش‌های عمده کمپانی‌های کالاهای "وارداتی" دارند، سودهای کلان دیگری از این مسیر نصیب آنها خواهد شد. دولت احمدی‌نژاد و سپاه و در راس آنها "ولی فقیه"، که طی چند سال اخیر به تاراج و چپاول مردم کشورمان پرداخته‌اند، با عملی کردن طرح‌های "آزادسازی قیمت‌ها" و "هدفمند کردن یارانه‌ها"، هجوم تازه‌ای بر منافع مردم آغاز کرده‌اند که نتیجه آن نه تنها سبب فقر، بیکاری، بی‌خانمانی و فلاکت مردم خواهد شد، بلکه هم‌زمان نیز بستر "قانونی" بی‌برای سپاه ایجاد خواهد کرد تا آخرین بنیه‌های اقتصاد بیمار کشور را به نابودی بکشد و ثروت به دست آمده از نفت را، که متعلق به مردم است، بر سایر غارتگری‌های خود بیفزاید.

مذاکرات جمعی تنظیم و قطعی می‌شود. همین مسئله فشار فوق‌العاده‌ای بر دو طرف وارد می‌کند، چرا که جای مانور و انعطاف کمی برای نمایندگان دولت باقی می‌گذارد، و در جریان مذاکرات، انگار که نمایندگان سندیکا با دیوار حرف می‌زنند. راه حل این مسئله، تنظیم کردن زمان مذاکرات برای قراردادهای دسته‌جمعی با در نظر گرفتن زمان تنظیم بودجه دولت است. ما بخت تنظیم قراردادهای چند مرحله‌ای را نداریم. هنوز دیری نگذشته، دوباره برای توافق در مورد قرارداد کار سال آینده سر میز مذاکره خواهیم بود. یکی از مشکلات این است که به محض آغاز اعتصاب، کارفرماها ناپدید می‌شوند، و مذاکره‌کنندگان دولتی هم قدرت تصمیم‌گیری ندارند و باید به رؤسای شان گزارش بدهند و از آنان دستور بگیرند. مشکل اینجاست که رؤسا باید در یک کمیته وزارتی جمع شوند که تشکیل دادن آن چندان کار آسانی نیست، و تازه به حل و فصل اختلاف‌ها نیز اولویت نمی‌دهد.

اعتصاب

اعتصاب اخیر از لحاظ روزهای کار از دست رفته، احتمالاً در تاریخ آفریقای جنوبی بزرگ‌ترین اعتصاب بود. در جریان این اعتصاب شاهد اتحاد و یگانگی بی‌سابقه‌ای بودیم، فارغ از وابستگی‌های فدراسیونی و اتحادیه‌ای، نژادی، سیاسی، یا تفاوت منافع در بخش‌های گوناگون (برای مثال، کارمندان عادی و کارشناسان حرفه‌ای)، در میان چندین سندیکا که ۱/۳ میلیون کارمند بخش دولتی را نمایندگی می‌کردند. این دستاورد کمی نبود.

ما توانستیم با تهدید به یک اعتصاب همگانی یک روزه از سوی اعضای "کنگره سندیکاها"، در صورتی که دولت مبلغ پیشنهادی‌اش را افزایش نمی‌داد، حمایت چشمگیر سندیکاهای بخش خصوصی را نیز جلب کنیم. به همین ترتیب، سازمان‌های مذهبی و عموم مردم نیز از ما حمایت کردند. برای نخستین بار بود که بیمارستان‌ها نیز به حالت نیمه تعطیل درآمدند و پلیس و نیروهای انتظامی هم مشتاق و آماده بودند که به اعتصاب بپیوندند. اینکه هنوز هم توافقی در مورد ارائه حداقل خدمات درمانی و امنیتی در زمان اعتصاب‌ها وجود ندارد- آن طور که قانون معین کرده است- تقصیر از کارفرمایان است که تا کنون از امضای توافق‌های حاصل شده خودداری کرده است، و از این طریق سعی دارد حق اعتصاب کارکنان بخش‌های درمان و انتظامی را منکر شود. هر چه سریع‌تر باید به راه حلی دست یافت تا اطمینان حاصل شود که در جریان چنین اعتصاب‌هایی، ارائه خدمات واقعاً ضروری برای طبقه کارگر و فرودستان جامعه که به این خدمات متکی‌اند، تضمین شود.

به رغم خشونت‌هایی که از طرف پلیس صورت گرفت، و تلاش‌های دولت به منظور مجرم شناختن اعتصاب‌کنندگان در دادگاه‌های ویژه، در این اعتصاب سطح بالایی از تحرک و یکپارچگی جلوه گر بود. هرگاه کسی از میان اعتصاب‌کنندگان به روش‌های خشونت‌آمیز متوسل می‌شد، بلافاصله رهبران سندیکا وارد عمل می‌شدند تا اوضاع را آرام و کنترل کنند.

در این میان، ماهیت پروژه "رهبر آفریقای جنوبی" نیز که توسط شماری از رسانه‌های کشور سازمان داده شده است، به عنوان یک پروژه دست راستی طبقه متوسط افشا شد: آنها در جریان اعتصاب، اقدام به استخدام عده‌ای اعتصاب‌شکن کردند. ما باید در مقابله با چنین اقدام‌ها و طرح‌های ضد کارگری خیلی هوشیار باشیم.

علاوه بر آنکه اعتصاب‌های بخش دولتی معمولاً رخدادهای پُر دردرس و ناگواری هستند- تا حدودی به علت محدودیت‌های ساختاری در مذاکرات جمعی در این بخش- خصوصیت و کینه نسبت به وزرا و دولت نیز کاملاً مشهود بود. تردیدی هم نیست که شیوه برخورد کارفرما با مسائل مورد اختلاف در مذاکرات نیز به تنش‌ها می‌افزود: اطلاع‌رسانی نادرست در رسانه‌ها، و اظهارات کذب و تحریک‌کننده توسط وزرا، واکنش‌های تند را به دنبال داشت و موجب به درازا کشیدن حل اختلاف‌ها و جبهه‌گیری‌های سخت و سخت شد.

دستاوردها

اگرچه اعضای سندیکا پیشنهاد دولت را رد کردند، اما از زمان پیشنهاد اولیه کارفرما مبنی بر یک افزایش ۵/۲ درصدی، تا کنون توانسته‌ایم امتیازهای زیادی بگیریم، از جمله:

• یک افزایش ۷/۵ درصدی؛

• افزایش حق مسکن به میزان ۳۰۰ راند؛

اجلاس منطقه ای "شورای جهانی صلح":

هر گونه مداخله خارجی در ایران را محکوم می کنیم!



شورای جهانی صلح، از پیکار زحمتکشان ایران در راه صلح، حقوق دموکراتیک و عدالت اجتماعی پشتیبانی می کند، و بر این نکته تأکید می کند که: روند و سمت گیری تحولات سیاسی آتی ایران فقط باید توسط خود مردم ایران تعیین شود

اجلاس منطقه خاورمیانه "شورای جهانی صلح"، در روز ۷ مهرماه، در شهر قاهره، پایتخت مصر، و با شرکت سازمان های مدافع صلح و همبستگی از: اردن، ایران، فلسطین، سوریه، عراق، ترکیه، سودان، مصر، و با حضور نمایندگان سازمان های صلح از کشورهای: هندوستان، یونان و قبرس، برگزار گردید. دبیر اجرایی "شورای جهانی صلح" و همچنین هیئتی از "سازمان همبستگی با خلق های آسیا - آفریقا"، که میزبانی نشست را به عهده داشت، در جلسه شرکت کردند. نماینده کمیته دفاع از حقوق مردم ایران ("کودیر")، به دعوت "شورای جهانی صلح" در این جلسه شرکت و در رابطه با تحولات ماه های اخیر ایران و تهدید های ایالات متحده و اسرائیل، سخنرانی کرد.

به ابتکار مشترک "شورای جهانی صلح" و "سازمان همبستگی با خلق های آسیا - آفریقا"، یک روز قبل از اجلاس منطقه ای، در روز ۵ مهرماه، کنفرانسی با عنوان: **جنبش صلح و همبستگی در منطقه و "خاورمیانه جدید"**، با موفقیت برگزار شد.

در بحث های اجلاس منطقه ای "شورای جهانی صلح"، مسئله ضرورت ایجاد شرایط مورد نیاز برای بسیج یک جنبش صلح موثر و توده ای مورد توجه شرکت کنندگان قرار گرفت. نمایندگان چندین سازمان صلح از کشورهای منطقه، در رابطه با اهمیت ایجاد شرایط دموکراتیک برای شرکت موثر و همه جانبه جنبش کارگری، جوانان و زنان در جنبش صلح، تأکید کردند.

نماینده "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران"، "کودیر"، در سخنان خود به شرایط خطرناکی که به دلیل سیاست های امپریالیسم و همچنین سیاست های ضد مردمی و نابخردانه رژیم، ایران را تهدید می کند، اشاره کرد. او متذکر شد که، یکی از بی آمدهای اصلی و خطرناک سیاست سرکوبی که رژیم تمامیت گرا در پیش گرفته است، ایجاد موانع جدی بر سر راه کوشش ها برای بسیج و سازمان دهی یک جنبش صلح وسیع و واقعی در کشور است. او با اعلام حمایت از جنبش اعتراضی مردم ایران و محتوای صلح دوستانه و ترقی خواهانه آن، تمامی تلاش های مسموم نیرو هائی را که با سیاست ها و اظهار نظرهای خود طرح های خطرناک دولت ایالات متحده و متحدان آن و به ویژه اسرائیل را توجیه می کنند، و یا از تحریم های اعمال شده بر ضد مردم ایران حمایت می کنند، به طور صریح محکوم کرد. او در ادامه سخنان خود، سیاست های رژیم را در واقع در خدمت و در مسیر خواست های امپریالیسم ارزیابی کرد، و گفت: "رژیمی که اتحادیه های کارگری را منحل و فعالان چپ را در زندان ها به سبانه ترین شکل می کند، کمونیست ها و فعالان چپ را در زندان ها به سبانه ترین شکل شکنجه می دهد و سر به نیست می کند، جلو هرگونه فعالیت آزاد و مستقل فعالان جنبش زنان و دانشجویی را می گیرد، و برای روشنفکران و هنرمندان مردمی محدودیت های بی سابقه ایجاد می کند، در حقیقت بر ضد جنبش صلح، بر ضد جنبش مقاومت مردم در برابر تهدیدات امپریالیسم آمریکا و اسرائیل، عمل می کند."

در بیانیه پایان گیری اجلاس منطقه ای "شورای جهانی صلح"، که از سوی شرکت کنندگان در اجلاس به تصویب رسید، در رابطه با تحولات ایران اظهار شده است: "کارزار برنامه ریزی شده و منظمی که از سوی اسرائیل، ایالات متحده آمریکا و متحدان اروپایی آن بر ضد ایران، پیرامون مسئله هسته ای دامن زده شده است، نه تنها ایجاد تنش، بلکه همچنین آماده کردن افکار عمومی این کشورها و کشورهای منطقه به منظور به راه انداختن درگیری و کشمکش جدید است. اجلاس منطقه ای **شورای جهانی صلح**، مخالف تحمیل تحریم های اقتصادی از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم های تنبیهی و برنامه

ریزی شده دیگر از سوی اتحادیه اروپا بر ضد ایران است، و از حق ایران برای بهره برداری از انرژی هسته ای به منظور مصارف صلح آمیز حمایت می کند." شرکت کنندگان در اجلاس منطقه ای **شورای جهانی صلح**، همبستگی خود را با نیروهای صلح دوست ایران در مبارزه بغرنج شان برای صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی، ابراز کردند. شرکت کنندگان در اجلاس، بر وجود ارتباط ذاتی میان مبارزه برای حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم زحمتکش، و توان ورود به کارزار در راه یک جنبش صلح توده ای و موثر به منظور مقاومت در برابر تهدیدهای امپریالیسم جهانی به رهبری امپریالیسم آمریکا را مورد تأکید و تأکید قرار دادند. "نیروهای صلح دوست خاورمیانه تردیدی ندارند که، در نتیجه مقاومت و پیکار مردم منطقه و جنبش همبستگی با آن در سرتاسر دنیا، این نقشه های امپریالیستی نقش بر آب خواهند شد. این پیکار مردم، پیکاری است در راه صلح واقعی، پیشرفت و عدالت اجتماعی، پیکاری است در راه دفاع از حقوق و آزادی های دموکراتیک، و میرا از دخالت نیروهای امپریالیستی.

"دکتر اکمل تاقتا"، مسئول فلسطینی کمیسیون منطقه خاورمیانه و عضو هیئت اجرایی **شورای جهانی صلح**، در گزارش خود، که به تأیید اجلاس رسید، هر گونه تهدیدی بر ضد ایران را مردود و محکوم شمرد، و حمایت کامل خود را از مبارزه مردم و نیرو های مترقی ایران برای یافتن راهکارهایی برای حل مسائل داخلی کشور، بر اساس حفظ خودمختاری و استقلال ایران و بدون هرگونه دخالت خارجی، اعلام کرد، و ضمن دفاع از "مبارزه زحمتکشان ایران در راه صلح، حقوق دموکراتیک و عدالت اجتماعی" هر گونه طرح و برنامه ای برای تهاجم نظامی به ایران به هر بهانه ای را محکوم کرد. گزارش به این حقیقت اشاره می کند که: "نشست امروز ما در قاهره به نیرو گرفتن و تقویت بیشتر **شورای جهانی صلح** در منطقه خاورمیانه کمک می کند. ما هنوز باید برای برقراری پیوند، یا ترمیم و تجدید پیوند، با نیروهای صلح دوست در بسیاری از کشورهای این منطقه تلاش کنیم. به کمک یکدیگر ما می توانیم در این امر موفق شویم. ما باید نحوه ارتباطات مان، و گردآوری و مبادله اطلاعات مان در باره فعالیت هایمان را در بسیاری از کشورها بهبود بخشیم. **شورای جهانی صلح** می تواند به کانون قابل ارجاعی برای صلح دوستان و سازمان های آنان در منطقه خاورمیانه تبدیل شود. هر چه **شورای جهانی صلح** در خاورمیانه توانمندتر بشود، مقاومت ملت های ما در برابر نقشه های امپریالیستی پرتوان تر خواهد شد. ما اینجا در قاهره می توانیم این اطمینان را به شما بدهیم که، به پیکار مشترک خود همراه با خانواده **شورای جهانی صلح** در راه ایجاد جهانی نو و برخوردار از صلح، همیاری، عدالت و فارغ از جنگ، ادامه خواهیم داد. چالش های پیش روی ما سهمگینند، اما تردید نداریم که ملت های خاورمیانه، به رغم تفاوت هایی که دارند، بر اساس احترام متقابل و گفتگو، سرانجام پیروز خواهند شد، چرا که ما آینده ای مشترک داریم و دشمن مان هم یکی است."

ادامه کودنای

گرایش‌های ترقی‌خواهانه‌اند، در انتخاباتی دموکراتیک توسط مردم انتخاب شده‌اند، حاضر به تحمل مداخله‌های سیاسی بی‌پرده آمریکا در کشورشان نیستند، و ائتلاف برادرانه راستینی بین خود ایجاد کرده‌اند. گفتنی است که این هر سه حکومت همواره هدف تهاجم نیروهای الیگارشی و دیگر نیروهای ارتجاعی داخلی متحد با امپریالیسم آمریکا قرار داشته‌اند. به روال گذشته، امپریالیسم آمریکا در دوران حکومت باراک اوباما نیز تلاش دارد حضور ناوگان‌ها و پایگاه‌های نظامی در منطقه کارابیب و آمریکای لاتین را افزایش و گسترش دهد و در نهایت جریان‌های انقلابی موجود در آن منطقه را منکوب کند.

روشن است که علت تدارک و اجرای کودتا بر ضد پرزیدنت کوره‌ا برنامه‌های ترقی‌خواهانه او، از جمله برچیدن پایگاه‌های نظامی آمریکا در اکوادور و بیرون راندن ارتشیان آمریکایی از آن کشور، و برقراری کنترل دولت بر صنایع نفت به منظور ایجاد درآمد مورد نیاز برای برنامه‌های تأمین اجتماعی و رفاه فرودستان کشور است که مداخله‌گران آمریکایی و کودتاگران داخلی تاب تحمل آنها را ندارند. اعلام و پیگیری همین برنامه‌های ترقی‌خواهانه است که حمایت مردم اکوادور از پرزیدنت کوره‌ا را به دنبال داشته و جنبش ضد امپریالیستی در اکوادور را تقویت کرده است. حزب توده ایران بار دیگر همبستگی قاطع خود را با جنبش ضد امپریالیستی و مردمی در اکوادور برای به پیش بردن اصلاحات پایه‌ای به نفع زحمتکشان، تعمیق استقلال سیاسی و اقتصادی و گستراندن عدالت اجتماعی در کشورشان، اعلام می‌کند.

برداشته‌هایی اولیه از بزرگ‌ترین اعتصاب در تاریخ آفریقای جنوبی

نوشته: **تویلی انتولا، رئیس سندیکای دموکراتیک معلمان آفریقای جنوبی، و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی**



**این اعتصاب
صرفاً بر سر
دستمزد و
حقوق نبود،
بلکه مسائلی
جدی را
در باره ارائه
خدمات در
بخش دولتی
پیش کشید**

لازم است
همین جا این
نکته را روشن
کنم که، این
نوشته صرفاً

بوده‌اند که در شرایطی با کارفرما مذاکره می‌کنند که با یک رکود اقتصادی جهانی روبه‌رو هستیم که پیامدهای ناگواری برای مشاغل و درآمدهای دولتی داشته است. خواست‌های سندیکا زیاده‌طلبانه نبوده است: یک افزایش ۱۲ درصدی، که بعداً ما آن را تا ۸/۵ درصد، که پیشنهاد نهایی‌مان بود، کاهش دادیم. به خاطر داشته باشید که این در شرایطی بود که توافق‌های صورت گرفته میان کارکنان و کارفرما در مورد دستمزدها در بخش خصوصی، در حدود ۸ تا ۱۰ درصد و بالاتر از آن بود. زمانی کار به استخوان کارکنان دولت رسید که متوجه شدند دولت حاضر است بر سر این درصدهای بالای افزایش دستمزدها برای کارمندان نهادهای نیمه دولتی توافق کند، اما حاضر نیست دستمزدهای کارمندان دولت را به همان اندازه افزایش دهد.

مذاکرات سندیکایی در بخش دولتی

اعتصاب آخرین گزینه سندیکاها بود و خیلی‌ها احتمالاً انتظار آن را نداشتند. روند مذاکرات را از اکتبر ۲۰۰۹ آغاز کردیم. ما به عنوان سندیکاهای میهن‌دوست عضو "کنگره سندیکاها"، هر گونه اقدام به اعتصاب را تا زمان پایان جام جهانی فوتبال به تأخیر انداختیم. حتی آن موقع هم سعی کردیم از طریق راه‌پیمایی‌ها و دست از کار کشیدن‌های یک روزه، فشار محدودی بر دولت بیاوریم. اما وقتی واکنش و توجهی از سوی دولت دیده نشد، کارکنان با اعتصاب خود به این بی‌توجهی متکبرانانه دولت پاسخ دادند. در اعتصاب‌های اخیر بخش دولتی روند خاصی دیده می‌شود. نخست با مذاکراتی طولانی آغاز می‌کنیم که به نحو طاقت‌فرسایی به کندی پیش می‌رود، و سرانجام به بن‌بست و رو در رویی صریح می‌رسد. سپس نوبت اعتصاب است که به مدتی طولانی ادامه پیدا می‌کند و معمولاً با کسب حداقل امتیازها پایان می‌یابد، که هیچ‌کس از آنها راضی نیست. و مدتی بعد باز این روند دوباره از سر گرفته می‌شود.

محدودیت‌های ساختاری‌ای نیز وجود دارند که بر روند مذاکرات اتحادیه‌ای برای رسیدن به توافق جمعی در بخش دولتی تأثیر می‌گذارند. اول از همه اینکه بودجه دولت برای کارکنان دولت، مستقل از- و پیش از- به نتیجه رسیدن

تحلیلی مقدماتی از اعتصاب سال ۲۰۱۰ کارکنان دولت است، و اینکه اختلاف و مناقشه هنوز ادامه دارد. وضعیت اکنون از این قرار است که: اعضای "سندیکای دموکراتیک معلمان آفریقای جنوبی" تازه‌ترین پیشنهاد دولت را رد کرده‌اند. فعلاً، در مدتی که کارفرما و اعضای سندیکا مشغول مذاکره هستند، اعتصاب به حالت تعلیق درآمده است. بی‌تردید وقتی که این وضع به سرانجام برسد، "سندیکا..." و "کنگره سندیکاها" آفریقای جنوبی" تحلیل جامع‌تر و دقیق‌تری از این اعتصاب ارائه خواهند کرد. این اعتصاب صرفاً بر سر دستمزدها و حقوق‌ها نبود، بلکه مسائل جدی‌ای را در عرصه ارائه خدمات در بخش دولتی پیش کشید. ما در عین حال که از سطح زندگی اعضای سندیکامان دفاع می‌کنیم، اما همیشه نقشی را که آنان در ارائه خدمات به بهترین نحو به طبقه کارگر و فرودستان دارند، یادآوری می‌کنیم. کارفرماهای ما، یعنی وزرا و امثال آنان، از خدمات دولتی استفاده نمی‌کنند؛ آنها برای بهداشت و درمان، آموزش و امنیت، از امکانات خصوصی بهره‌مندند. و این خودش مسئله است، چرا که آنها هیچ نفع شخصی بلافضلی در بهبود خدمات دولتی ندارند. اعتصاب اخیر کارکنان دولت، نابرابری‌های گسترده و عظیم موجود در بخش دولتی و به طور کلی در کشور ما را برجسته کرد، کشوری که اکنون رسماً نابرابرترین جامعه دنیا به شمار می‌آید. خبرهایی که هر روز در ارتباط با میزان فساد، رانت خواری و صرف هزینه‌های فاحش اسراف‌آمیز در دولت منتشر می‌شود، این تضادها و اختلاف‌ها را تشدید می‌کند. وقتی وزیری می‌گوید که بودجه‌ای برای کارکنان بخش دولتی موجود نیست، کسی حرف او را باور نمی‌کند. مسکن یکی دیگر از مسائل عمده در این اعتصاب بوده است. درآمد بیشتر کارکنان دولت بالاتر از حدی است که واجد شرایط برای خانه‌های سازمانی ارزان‌قیمت باشند، اما آن قدر هم نیست که شرایط دریافت وام مسکن برای خرید خانه در بازار آزاد را داشته باشند. تقاضای کارکنان دولت برای افزایش حق مسکن از همین جا ریشه می‌گیرد، و سال‌هاست که به آن بی‌توجهی شده است. همکاران ما در سندیکاها به درستی متوجه این امر



دادند که، در صورت به خطر افتادن نظم ملی مبتنی بر قانون اساسی، کشورهای متبوع شان بی‌درنگ مرزهای زمینی و هوایی کشورشان با اکوادور را خواهند بست، مبادلات تجاری با اکوادور را به حالت تعلیق در خواهند آورد، و صدور

انرژی و خدمات به آن کشور را متوقف خواهند کرد. به رغم انکار آمریکا در مورد دست داشتن در کودتای اکوادور و محکوم کردن آن از سوی سخنگوی کاخ سفید، هوگو چاوز و اوو مورالس دولت آمریکا را به دست داشتن در این کودتا متهم کردند. نهادها و نیروهای مترقی در جهان، در موضع گیری های خود، اقدام کودتایچیان را محکوم کرده و از رئیس جمهور منتخب مردم حمایت کردند. "شورای جهانی صلح" در اطلاعیه ای، ۹ مهرماه، اقدام نیروهای کودتاچی را "همانند تلاش به منظور بی ثبات کردن کشور و اجازه مداخله دادن به نیروهای ارتجاعی داخلی و خارجی" محکوم کرد. اطلاعیه "شورای جهانی صلح" حمایت خود را "از حق مردم اکوادور برای تعیین آزادانه و دموکراتیک آینده خود، در مقابل اولیگارشی محلی و متحدان خارجی امپریالیستی آن" به طور صریح اعلام داشت.

بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل، نیز حمایت خود را از کوره آ اعلام کرد و خواستار آزادی او شد. رافائل کوره آ نخستین بار در سال ۲۰۰۶ و برای بار دوم در سال ۲۰۰۹ به ریاست جمهوری اکوادور انتخاب شد. به گزارش خبرگزاری‌ها، با وجود وضعیت اضطراری در کشور، روز شنبه پس از کودتا اوضاع پایتخت آرام به نظر می‌رسید. کوره آ ضمن درخواست بررسی مجدد مصوبه مجلس، در عین حال شناسایی، محاکمه و مجازات عاملان کودتا را نیز مصرانه خواستار شد.

"حزب توده ایران"، کودتا در اکوادور از سوی نیروهای انتظامی و نظامی را محکوم می‌کند. بی‌تردید به حرکت در آمدن بی‌درنگ مردم، و به ویژه جوانان اکوادور، در خیابان‌ها در پشتیبانی از پزیدنت کوره آ، عامل بسیار مؤثری در شکست کودتا بود. نقش برجسته "حزب کمونیست" و "سازمان جوانان کمونیست" اکوادور، در بسیج توده های مردم و زحمتکشان در دفاع از کوره آ، از سوی تحلیلگران مورد تأیید و تحسین قرار گرفته است.

به نظر ما، این اقدام کودتاگران ادامه تلاش‌های دنباله‌دار پیشین در ربودن خوزه مانوئل زلایا، رئیس جمهور هندوراس، در سال گذشته، و کودتا بر ضد هوگو چاوز و اوو مورالس، رؤسای جمهوری ونزوئلا و بولیوی در سال های پیش است، و هدف یکسانی را دنبال می‌کنند. هر سه این حکومت‌ها دارای

ادامه در صفحه ۱۱

کودتای ناموفق در اکوادور

جمعی از نیروهای پلیس و ارتش اکوادور، پنجشنبه، ۸ مهرماه، در یک شورش سازمان یافته، فرودگاه پایتخت را محاصره کردند، جاده‌ها را بسته و تحت نظر گرفتند، و چندین پادگان را به تصرف در آورده و ساختمان مجلس را اشغال کردند. در پی اعلام نتیجه رای گیری بی در مجلس کشور، در روز چهارشنبه، که بر اساس آن بخشی از پاداش و مزایای پرسنل عالی‌رتبه نیروهای انتظامی و نظامی به هنگام ترفیع درجه کاهش داده می‌شد، این شورش برپا گردید. روز پنجشنبه، پزیدنت کوره آ، برای رسیدگی به نارضایتی نیروهای پلیس و ارتش به یکی از پادگان‌های نظامی رفته بود، که در حین صحبت با شورشیان مورد حمله و ضرب و شتم آنان قرار گرفت و گاز اشک‌آور به سوی او شلیک شد. به ناچار او را تحت مراقبت به بیمارستان متروپولیتن رساندند تا مورد مداوا قرار بگیرد، اما نیروهای شورشگر پلیس، بیمارستان را محاصره کردند، او را ربودند، و در همان بیمارستان تحت نظر نگاه داشتند. شمار زیادی از اهالی شهر که خبر این شورش را شنیده بودند برای حمایت از رئیس جمهور به خیابان‌ها ریختند و پیرامون بیمارستان گرد آمدند. در بیمارستان، کوره آ، ضمن "کودتا" خواندن این حرکت، اعلام کرد: "من از اینجا یا به عنوان رئیس جمهور بیرون می‌آیم یا نعش‌ام را بیرون خواهند آورد." دولت اکوادور به محض وقوع این حوادث حالت فوق العاده در کشور اعلام کرد و کلمبیا و پرو نیز مرزهای خود را با اکوادور بستند. کوره آ حدود ۱۲ ساعت در بیمارستان متروپولیتن در گروگان نظامیان و پلیس شورشی بود، که در نهایت با دخالت نیروهای ارتشی وفادار به دولت نجات داده شد.

رئیس جمهور اکوادور به فاصله کوتاهی پس از رهایی از اسارت کودتایچیان، در جمع هزاران تن از مردمی که برای استقبال از او در برابر کاخ دولت و محل اقامت او گرد آمده بودند حاضر شد و طی سخنانی با اشاره به رخدادهای روز پنجشنبه، آن را "روزی بسیار تاسف بار" و "تلخ‌ترین روز زندگی" اش خواند و اظهار داشت که، هرگز تصور نمی‌کرد پس از آن همه خدمت که دولت "انقلاب شهروندان" در حق پلیس و فرودستان جامعه کرده است، شاهد چنین روزی باشد. او در جریان صحبت‌هایش به احترام کشته شدگان این حادثه یک دقیقه سکوت اعلام کرد. بر اساس گزارش‌ها، در جریان زد و خوردها ۸ تن جان خود را از دست دادند و نزدیک به ۴۰ تن زخمی شدند. رئیس جمهور اکوادور در ادامه سخنانش در برابر مردم، از لوسيو گوتیه‌رز، رئیس جمهور سابق، به عنوان یکی از سردمداران کودتا نام برد. او از نیروهای دولتی هوادار خود، از جامعه بین‌المللی و به ویژه رؤسای جمهور "یوناسور" (UNASUR): اتحادیه ملت‌های آمریکای جنوبی)، و نیز از مردم اکوادور که برای دفاع از دموکراسی و آزادی او به خیابان ریختند، سپاسگزاری کرد، و سخنان پرشور خود را با شعار "پیش به سوی پیروزی" به پایان برد. گفتنی است که به محض اطلاع از وقوع کودتا در اکوادور، رؤسای جمهور شیلی، بولیوی، پرو، اورگوئه، کلمبیا و ونزوئلا، در نشست اضطراری سران یوناسور، در بوتنوس آیرس، به منظور حمایت از رئیس جمهور اکوادور گرد هم آمدند. در این نشست، کریستینا فرناندز، رئیس جمهور آرژانتین، و همسرش، که دبیرکل "یوناسور" است، نیز شرکت داشتند. در این نشست قطعنامه‌ای صادر شد که در آن مبادرت به کودتا و ربودن اقلی کوره آ قاطعانه محکوم شده است. سران کشورهای "یوناسور" هشدار

کمک های مالی رسیده

به یاد رفیق جان باخته هدایت اله معلم رفیقی از برلین ۵۰۰ یورو
به مناسبت ۶۹ مین سالگرد حزب توده ایران رفقا از برلین ۷۰۰ یورو
به یادبود رفیق دکتر یوسف ولی زاده
توسط هواداران حزب از انزلی ۲۰۰۰ دلار
به مناسبت فرارسیدن سالگرد حزب هواداران از اتریش ۵۰۰ یورو
به مناسبت ۶۹ مین سالگرد حزب توده ایران رفیقی از لندن ۵۰۰ یوند

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس های اینترنت و "ای-میل" http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 853
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

11 October 2010

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.V.
بانک: Berliner Sparkasse
کد بانک: 100 500 00
شماره حساب: 790020580
IBAN: DE35 1005 0000
BIC: BELADEVBXXX